

زردی و صرع مورد استفاده در طب عوام قرار می گرفته است. این گیاه در نواحی مختلف اروپا و آسیا می روید. در ایران نیز در آذربایجان: اطراف تبریز دیده شده است.

۱۳- *V. hederifolia* L. گیاهی علفی و دارای ساقه کوتاه و خوابیده است. گل‌هایی به رنگ آبی روشن یا مایل به سفید و اثر درمانی مقوی و قابض دارد. در اطراف تهران، کرج، نواحی مختلف البرز، تبریز و کرمانشاه می روید.

۱۴- *V. agrestis* L. گیاهی علفی و دارای ساقه نیمه خوابیده به ارتفاع ۰ تا ۳ سانتیمتر است. گل‌های آن سفید، آبی یا آبی روشن می باشد. به علت دارا بودن اثر مدر و قابض سابقاً مورد استفاده قرار می گرفته است. در جنوب غربی ایران و بوشهر نیز می روید.

Euphrasia officinalis L.

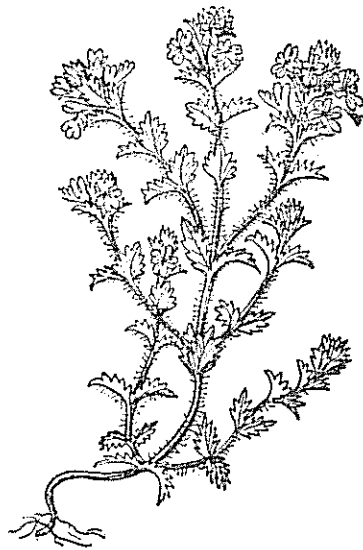
E. gracilis Fries ، *E. imbricata* Pers.

فرانسه : Herbe à l' ophthalmie ، Luminet ، Casse - lunette، Euphrasie officinale ؛ انگلیسی : Aufrechter Augentrost، Euphrasy، Drug E. ، Common Eyebright ؛ آلمانی: ؛ ایتالیایی : Eufrosia ، Spezza occhiali ، Eufrosina ، Luminella عربی : حشيشة النور گیاهی است علفی یکساله و دارای ساقه‌ای به ارتفاع ۳ تا ۴ سانتیمتر که فرمهای متعددی به تناسب تأثیر متفاوت محیط‌های زندگی از آن به دست آمده است. با وجود دارا بودن کلروفیل، چون این ماده در آن به حالت تجزیه شده وجود دارد، از این جهت گیاه قادر به جذب گاز کربنیک هوا و تغییر شکل آن به مواد لازم زندگی نیست و بناچار، با وارد کردن مکندگی خود به گیاهان علفی مختلف، مواد غذایی لازم را از آنها به دست می آورد (G. Bonnier). این گیاه در نواحی مختلف اروپا مانند فرانسه، سوئیس، بلژیک و در آسیا و ایران می روید. در کوهستانها تا ارتفاع ۳۱۰۰ متری نیز دیده می شود.

از اختصاصات آن این است که برگهای کوچک و دنداندار، عاری از دمبرگ و به وضع متقابل بر روی ساقه دارد. گل‌های کوچک آن، به حالت فشرده در رأس انشعابات ساقه دیده می شود. رنگ آنها سفید است ولی در سطح آنها خطوطی بنفش رنگ مشاهده می گردد. گلوی جام گل آن نیز ممکن است به رنگ زرد روشن، سفید مایل به آبی یا مایل به بنفش و دارای لکه های زرد باشد. میوه اش پوشینه و محصور در کاسه گل است.

قسمت مورد استفاده این گیاه کلیه اندامهای آن است.

تورکیمبات شیمیائی - اعضای مختلف گیاه دارای تانن، یک ماده تلخ، یک ماده روغنی، اسانس، ماده رزینی، موم، قند، اسید افراستانیک ac. euphrastanique، یک ماده آبی رنگ شبیه رینانتین rhinantine، اسلح معدنی مختلف و احتمالاً نوعی گلوکزید قابل تجزیه در مقابل اسولسین است.



ش ۱۷۲- *Euphrasia officinalis*: گیاه کامل گلدار به اندازه طبیعی

خواص درمانی - در حالت تازه دارای اثر نسبتاً مقوی و قابض است و در مصارف داخلی سابقاً جهت رفع سرفه های همراه با خروج اخلاط چسبناک، گرفتگی صدا، درد گلو، کم شدن حافظه و درمان بیماریهای مختلف چشم مانند ورم چشم نوزادان و مبتلایان به خنازیر، آب آمدن از چشم که بر اثر مطالعه یا نوشتن زیاد و یا بر اثر ورزش بادهای شدید و تحریک مخاط چشم عارض می شود، ضعف بینائی، ورم ملتحمه و غیره به کار می رفته است.

صورت داروئی - جوشانده ۳ تا ۵ گرم گیاه در یک لیتر آب به مقدار ۳ فنجان در روز بعد از غذا - تنطوری به مقدار ۱ تا ۲ قطره مخلوط در دم کرده زیرفون (تیول)، جهت رفع زکامهای مقاوم - جوشانده های ۳ تا ۵ در هزار گیاه کامل برای تهیه لوسیونها ویا کمپرس چشم. در استعمال خارج، استفاده از آن برای مصارف درمانی امروزه چندان معمول نیست و بیشتر در نواحی محل رویش مورد توجه قرار می گیرد.

محل رویش: شمال غربی ایران، آذربایجان، میشوداغ (وجود آن در ایران مورد تردید

است).

Bacopa Monniera (L.) Pennell

Gratiola Monniera L. ، Herpestis Monniera H. B. & K.

H. spathulata Blume ، Limosella calycina Forsk

گیاهی علفی، پایا، عاری از کرک، دارای ساقه خزنده و تقریباً گوشته‌دار است. برگهای عاری از دمبرگ، بیضوی دراز و پهنکی با سه رگبرگ مشخص، منقوش به لکه‌های کوچک و سیاه رنگ دارد. گل‌های آبی روشن یا سفید رنگ آن، به حالت منفرد در کناره برگها ظاهر می‌شود. در داخل بساک پرچمهای آن، دانه‌های گرده به رنگ سفید جای دارد. میوه‌اش پوشینه، بیضوی، به طول ۰۵ میلی‌متر و محتوی دانه‌های ریزی به رنگ روشن است. در نواحی مرطوب هند و سیلان و غالب مناطق گرم می‌روید.

خواص درمانی - تمام قسمت‌های گیاه اثر قوی آور، ملین و خلط‌آور دارد. در رفع زخمهای دیرعلاج و تومورها اثر مفید ظاهر می‌کند. پزشکان هند آنرا مقوی اعصاب می‌دانند و در درمان صرع و اختلالات روحی مؤثر اظهار داشته‌اند. بعلاوه مدر و اشتها آور است. در سیلان و نواحی دیگر جنوب شرقی آسیا، از تمام قسمت‌های گیاه به عنوان یک مسهل ملایم جهت اطفال استفاده بعمل می‌آورند. بخور آن در بیماری بادسرخ و داء الفیل مصرف داشته است.

بررسی‌های مختلف نشان داده است که برگ گیاه به علت داشتن نوعی الکالوئید، ایجاد سمومیتی شبیه سمومیت از استریکنین می‌کند. این الکالوئید، فشار خون را به علت تنگ کردن مجاری عروق، بالا می‌برد. ضمناً دارای اثر نیرو دهنده ماهیچه‌های قلب و دستگاه تنفسی است.

استفاده درمانی از آن چندان معمول نیست.

محل رویش - بلوچستان (Fl. de l' Iran).

در امریکا، ناحیه پرو ۲ گونه مفید از Herpestis ها وجود دارد که یکی به نام **H. chamaedryoides** H. B. & K. * است و از آن به عنوان مدر استفاده بعمل می‌آید و دیگری **H. gratiolooides** Benth. * می‌باشد که اثر توأم معرق و مدر دارد و در بیماریهای کلیه مصرف می‌شود.

Verbascum Thapsus L.

V. Schraderi G. F. V. Meyer ، V. collinum Schrad.

فرانسه : Cierge de Notre - Dame ، Bonhomme ، Bouillon blanc ،
انگلیسی : Shepherd's club ، Mullein ،
ایتالیایی : Labbri d' asino ، Barabasco ، Buon uomo ، Verbasco officinale ،
عربی : بزیر (Bazir)

گیاهی است علفی، چندساله، پوشیده از کرکهای پنبه‌ای و دارای ساقه ضخیم به ارتفاع ۳۰ تا ۲ متر که در زمینهای بایر، اماکن عاری از درخت جنگلها، مزارع و کنار جاده‌ها می‌روید. در نواحی کوهستانی نیز تا ۱۸۰۰ متری بالا می‌رود. پراکندگی آن به صورتی است که در غالب نواحی اروپا و بعضی نقاط آسیا و همچنین در کشور ما یافت می‌گردد. از مشخصات آن این است که برگهای قاعده ساقه گیاه، عموماً بزرگ، بیضوی نوک تیز با دمبرگ دراز و لسی برگهای طول ساقه، مخصوصاً در قسمت‌های فوقانی، عاری از دمبرگ و در محل اتصال به ساقه، دارای بال مشخص در طول میان‌گره‌هاست. ساقه زایای گیاه در قسمت‌های انتهایی نیز منتهی به گل‌آذین درازی می‌شود که در طول آن گل‌های فراوانی به رنگ زرد روشن، به پهنای متوسط ۲ سانتیمتر مجتمع می‌گردد. درون جام گل، ۵ پرچم به نحوی جای گرفته است که ۲ تای قدیمی آنها دارای سیله دراز به وضع مایل ولی ۳ تای دیگر بطور محسوس دارای سیله کوتاه و پوشیده از کرکهای فشرده می‌باشد.

زنبور عسل به سمت گل‌های فراوان گل‌آذین این گیاه جلب می‌گردد و نوش مرغوب نیز از آن به دست می‌آورد.

قسمت مورد استفاده این گیاه گل‌های آن است ولی برگ گیاه نیز در برخی موارد مصرف می‌گردد. برای جمع‌آوری گل‌های گیاه، این عمل را در تابستان تا اواسط پائیز، به تدریج که جام گل شکفته می‌گردد، انجام می‌دهند به نحوی که فقط جام گل از گیاه جدا شود سپس آنها را خشک کرده در محل غیر مرطوب و تهویه‌شده، به صورت قشر نازکی پهن می‌کنند تا بدون سیاه شدن خشک گردد.

ترکیبات شیمیائی - گل‌های این گیاه دارای اسانسی به رنگ زرد روشن، رزین، ساده‌تندی و لعاب فراوان است. دانه آن و گونه‌های مختلف دیگر، اثر رسمی دارد و در بعضی نواحی از آن برای شکار ماهی استفاده بعمل می‌آید زیرا با وارد کردن در آب موجب بیحسی و کرخ شدن جانور می‌شود. ریشه آن دارای ساده‌ای به نام ورباسکوز verbasose است.

ورباسکوز *Verbascose* ، نوعی اولیگوساکارید (Oligosaccharide) ، به فرمول $C_{24}H_{40}O_{11}$ و به وزن ملکولی ۸۲۸۷۵ است که در گیاهان مختلف مانند انواع زیریافت می شود و از آنها استخراج شده است:



ش ۱۷۳ - *Verbascum Thapsus* : سرشاخه گلدان به اندازه طبیعی

۱- ریشه	<i>Verbascum Phapsus</i> L.	از تیره	Sorophulariaceae
۲- چوب	<i>Betula verrucosa</i> Ehrh.	»	Betulaceae
	= <i>B. pendula</i> Roth.		

استخراج ورباسکوز، از *V. Thapsus* L. ، توسط Bourquelot و Bridel (1) و تعیین فرمول

1 - Bourquelot, Bridel. Compt. Rend. 151, 760, (1910).

گسترده آن ، توسط Wickström و همکارانش و همچنین محققین دیگر صورت گرفته است (1). ورباسکوز به صورت بلوری های سوزنی شکل، به حالت خالص و متبلور به دست می آید. در گرمای ۲۱۹-۲۲۰ درجه ذوب می شود. گرمای ۲۰۳ درجه نیز گزارش شده و در کتب علمی وارد شده است. برای ورباسکوز، اثر درمانی و مصارف دیگر ذکر نشده است.

خواص درمانی- گل های این گیاه اثر نرم کننده، ضد تشنج، معرق و بطور ملایم بدر دارد. در طب عوام سابقاً از گل های آن برای رفع سرماخوردگی، برونشیت ها، نزله دستگاه های تنفسی و هضم، تنگی نفس، بی اشتهائی، کم شدن مقدار ادرار و غیره استفاده بعمل می آمده است و بنظر می رسد که این اختصاصات مربوط به مقدار کم ساپونین باشد که در گل وجود دارد. گل های این گیاه در درمان آسم ، ورم مثانه (cystite) و اسهال های ساده و دردناک نتایج مفید ظاهر می کند.

اطبای قدیم مانند Cazim آنرا بهترین نرم کننده ذکر نموده ، در رفع بیماری های حاد مجاری هاضمه، مجاری ادرار، اسهال های ساده و قولنج ها مؤثر می دانسته اند. برگ و ریشه گیاه نیز اثر نرم کننده دارد.

در استعمال خارج، جوشانده گل به صورت تنقیه در اسهال های همراه بادل پیچیده مصرف دارد. جوشانده برگ گیاه را بر روی زخم های و ناحیه دردناک بواسیر و رماتیسم اثر می دهند بعلاوه دارای اثر تسکین دهنده خارش است. گاهی نیز گرد برگ را بر روی زخم، جهت مداوای آن می باشند. برای رفع خارش (2)، علاوه بر *Verbascum Thapsus* L. گیاهان دیگری که در مساحت مختلف این کتاب ذکر گردیده، استفاده از گیاهان زیر نیز به روشی که شرح داده می شود در کتب علمی توصیه گردیده است:

۱- مالیدن آب خیار بر روی پوست بدن، در ناحیه ای که حالت تحریک شده دارد، خارش را تسکین می دهد.

۲- آب پرتقال تازه را باید با روم سفید (Rhum blanc) مخلوط نموده به محل خارش مالید و پس از خشک شدن پوست، مقدار کمی آرد نشاسته بر روی آن پاشید.

1 - Wickström et al., Bull. Soc. Chem. France. (1956).

۲- خارش، به تفاوت در پوست بدن یا در مخاط هائی مانند بینی، دهان، دستگاه های تناسلی و غیره، تدریجاً یا غفلتاً عارض می شود و حالت ناراحت کننده ای بوجود می آورد که گاهی غیر قابل تحمل می شود. خارش ممکن است بر اثر بیماری های پوستی مختلف مانند اکزما، کهیر و غیره بوجود آید و یا گزش حشرات و تارهای پوشش اعضای گیاهان مانند گزنه باعث آن گردد. درمان آن غالباً به سهولت میسر می شود.

۳- برگ گیاهی از تیره کدو به نام *Momordica charantia* را باید به خوبی ریز کرده با وازلین مخلوط کرد بطوریکه بصورت پماد درآید سپس آنرا به پوست بدن اثر داد و یا آنکه برگهای گیاه مذکور را نیمکوب کرده در آب جوشانید و پس از سرد شدن و صاف کردن، بصورت لوسیون بروی پوست اثر داد.

۴- برگ تبرهندی را باید در آب وارد کرده تدریجاً تحت اثر گرمای معتدل جوشانید و پس از سرد شدن، بروی پوست بدن، در محل خارش اثر داد.

در طول دوره درمان نیز باید مرتباً آب هویج و یا آب هویج مخلوط با اسفناج به نسبت ۳ و ۱ به بیمار خوراند.

۵- مقدار یک قاشق سوپخوری سرکه طبیعی را در یک ظرف کوچک آب گرم وارد کرده پس از آنکه محلول، گرمای معتدل پیدا کرد در محل خارش اثر داد. با این عمل، ناراحتی تقریباً سریعاً از بین می رود و خارش تسکین می یابد.

صورت داروئی- دم کرده ۱۰ تا ۳۰ گرم گل در یک لیتر آب (این دم کرده طبق توصیه *Gazin* باید صاف گردد و یا بطوری که *Dr. H. Leclerc* اظهار داشته باید از یک پارچه نازک بگذرد تا کرکهای گل، ضمن مصرف دم کرده، موجب تحریک مخاط گلو نگردد). دم کرده مذکور برای مصرف اطفال، بهتر است از مخلوط کردن ۲ گرم گل گیاه مذکور با ۲۰ گرم گل-خشخاش و ۱۰ گرم گل پنیرک تهیه شود. جوشانده ۳ تا ۶ گرم گل در یک لیتر آب برای تهیه لوسیون، کمپرس و غیره - روغن گل که به نسبت ۱/۴ با روغن زیتون تهیه می گردد، برای مالیدن به محل دردناک عضو. نکته مهم در مصرف دم کرده گل آن است که مقدار یک قاشق چای خوری جوش شیرین بدان اضافه گردد تا اثر زیان آور ساپونین موجود در گل از بین برود.

برگ و دانه این گیاه به مصارف تهیه جوشانده های حشره کش جهت سم پاشی سبزیجات و گیاهان زینتی می رسد و چون عاری از هرگونه خطر مسمومیت است، غالباً مورد استفاده قرار می گیرد. جوشانده برگهای تازه در اواخر فصل گل و اوایل پائیز برای سمپاشی و دفع شته و طفیلی هائی نظیر آن بکار می رود (*L. Danzel*).

بهداشت پوست

یک شست از گلهای گل آذین گیاه را در یک لیتر آب جوش وارد کرده به مدت ۲ دقیقه بحال خود می گذارند تا بخوبی دم کند. این دم کرده را پس از صاف کرده به سوی سر می مالند. با این عمل بوهای بزرگ، رنگ طلائی زیبا به خود می گیرد.

به آبمقطر گیاه مذکور اگر چند قطره اسانس ربارن افزوده شود و آنرا روزانه به پوست سر ماساژ دهند و به موها بمالند. باعث تقویت و زیبائی خاص موی سر می شود.

محل رویش: گرگان: گلستان در ۵۰ متری مازندران؛ بین بابل و ساری در نزدیکی سواحل دریا، نوشهر، نزدیک نور در ۷۰۰ متری. گیلان: ایسپیلی ییلاق نواحی غربی اسالم بسمت خلخال (هر و آباد) در ۱۲۵۰-۱۹۰۰ متری، آذربایجان: بین آستارا و اردبیل در گردنه حیران، نواحی مرکزی ایران؛ شاهرود- بسطام، کوه ایز در ۵۰۰ متری.

گلهای دوگونه دیگر به شرح زیر معمولاً مخلوط با گلهای گیاه مذکور و بهمان منظور در معرض استفاده های درمانی قرار می گیرد:

۱- *V. thapsiforme* Schrad. * گیاهی دو ساله و دارای مشخصاتی شبیه گونه مذکور است با این اختلاف که اولاً برگهای آن در طول محوری، درازتر، بروی ساقه کشیده شده است و ثانیاً جام گل آن پهن تر و کلاله مادگی، دارای ظاهر ماله ای شکل است.

۲- *V. phlomoides* L. *، ساقه مدور، عاری از بال و گلتهائی به رنگ زرد مایل به قهوه ای دارد. تشخیص آن از گونه مذکور، به سهولت از روی گل امکان پذیر است. این گیاه به علت زیبائی خاصی که پس از شکفتن گلها پیدا می کند، در بعضی نواحی، بین قطعات سنگ تپه های تزئینی پرورش داده می شود.

انواع دیگری نظیر *V. sinuatum* L. و *V. nigrum* L. نیز کم و بیش اثر درمانی مشابه گونه اصلی دارند. گیاه اخیر در نواحی مختلف البرز، شمال تهران، جاجرود، همدان، آذربایجان و نواحی جنوب غربی ایران می روید.

نام عربی گیاه اخیر **فولوس اسود (Folúmos...)** و **بوصیر اسود الورق (Búsir...)** است. *Artanema sesamoides* Benth. *، گیاهی علفی، به ارتفاع ۶۰ تا ۹ سانتیمتر، کم شاخه و دارای ساقه چهار گوش، به رنگ سبز مایل به ارغوانی است. برگهای بدون دمبرگ، باریک و دراز، نولک تیز، به طول متوسط. ۱ و به عرض ۲ سانتیمتر دارد. گلهای درشت و زیبای آن که در راس شاخه ها ظاهر می شود، به رنگ بنفش ارغوانی با شبکه ای از خطوط نازک و ظریف است. سیوایش مدور، به قطر ۵-۱۰ میلیمتر و محتوی دانه های کوچک و دراز و پوشیده از برجستگی هائی به رنگ مایل به زرد می باشد. در ایران نمی روید. در هند، سیلان، فیلیپین، جاوه، سوماترا و نواحی حاره آفریقا پراکنده گی دارد.

ریشه و دانه اش به مصارف درمانی می رسد.

خواص درمانی- جوشانده ریشه گیاه جهت درمان رماتیسم، رفع عوارض ناشی از سیفیلیس و دفع سنگ کلیه مصرف دارد. بعلاوه در رفع اسهال مؤثر واقع می گردد. دانه اش جهت رفع ناراحتی های هضمی منشاء صفرا که با سرگیجه، تلخی دهان و یبوست همراه است مورد استفاده قرار می گیرد.

* *Gratiola officinalis* L.

G. Broteri Nym.

فرانسه : Hysope -de -haie ، Herbe au pauvre homme ، G. officinale ، Gratiolle
 انگلیسی : Hedge Hyssop ، آلمانی : Gottesgnadenkraut ، Echtes Gnadakraut
 ایتالیایی : Erba del pover Uomo ، Piccola digitale ، Stanca cavallo ، Gaziola
 عربی : حشیشه الفقراء (... fuqarà)

گیاهی است علفی ، کوچک ، زیبا ، به ارتفاع ۲۰ تا ۵۰ سانتیمتر که به حالت وحشی در
 مردابها ، کنار آبهای راکد ، دشتهای بسیار مرطوب غالب نواحی اروپا ، شمال و جنوب غربی
 آسیا و همچنین در امریکای شمالی می‌روید ولی در کشور ما یافت نمی‌گردد. از مشخصات آن

ش ۱۷۵ - *Gratiola officinalis* : دو ق. مت از یک گیاه گلدار - سیوه

این است که برگهایی کاملاً بیضوی ، نوک تیز و عاری از دمبرگ دارد. حاشیه پهنک آن منحصراً
 در ناحیه مجاور رأس ، دارای دندانه است. در سطح آن نیز ۳ تا ۵ رگبرگ اصلی دیده می‌شود.

ش ۱۷۴ - *Artanema sesamoides* : ۱- شاخه گلدار ۲- نمایش سیوه
 ۳- برش طولی گل (Ayur. dr.)

گل‌های زیبا و نسبتاً درشت آن که از کنار برگ‌ها خارج می‌شود، معمولاً وضع منفرد و رنگ سفید مایل به گلی یا گلی دارد و در انتهای دمگل درازی نیز واقع می‌باشد. قسمت داخلی جام گل آن دارای تارهای مشخص است و در سطح آن ۲ پرچم زایا پیوستگی دارد. میوه‌اش پوشینه، بیضوی و ۲ خانه می‌باشد. پراکنندگی این گیاه در نواحی کوهستانی از ارتفاعات ۵۰۰ متری تجاوز نمی‌کند.

قسمت مورد استفاده این گیاه، برگ و یا ساقه برگدار آن می‌باشد.

ترکیبات شیمیایی = Marchand de Fécamp ، از اعضای این گیاه ماده مخصوصی با واکنش خنثی به دست آورد که آنرا **گراتیولین** (gratioline) (gratioside) نامید و اثر درمانی گیاه را مربوط به آن دانست. دانشمند دیگری به نام Walz ، علاوه بر ماده مذکور ، موادی نظیر **گراتیوزولین** (gratiosoline) ، **گراتیولاکرین** (gratiolacrine) ، یک ماده روغنی، یک رزین برونک خاکستری ، تانن و اسید آنتی‌رینیک ac. antirrhinique به دست آورد. بررسی‌های جدید که توسط E. Retzloff بعمل آمد نشان داد که گراتیولین، گلوکزیدی است که اسیدهای معدنی، آنرا به **گراتیولی‌ژنین** (gratioligénine) ، **گراتیوژنین** (gratiogénine) و گلوکز تبدیل می‌کند (Dorvault, 1982).

گراتیوزید (Gratioside) (1) ، ماده‌ای به فرمول $C_{27}H_{48}O_{14}$ ، به وزن ملکولی ۷۹۷ و تری‌ترین‌گلیکوزید منوهیدرات است که از قسمت‌های زیرزمینی *G. officinalis* L. استخراج شده است (2). به صورت بلورهای مجتمع در اتانول متبلور می‌شود و در گرمای ۲۶۸ تا ۲۷۴ درجه ذوب می‌شود. بمقدار بسیار کم در آب ولی به مقدار خیلی زیاد در الکل محلول است. عملاً در اثر حل نمی‌گردد.

خواص درمانی - مدر، مسهل قوی، قی‌آور، ضد کرم، مقوی قلب، تب‌بر و التیام‌دهنده است.

W. Bohn در سال ۱۹۲۷ ، چنین اظهار داشت که مصرف فرآورده‌های این گیاه، موجب تحریک ترشحات غدد و کلیه سیستم لنفاوی می‌گردد در نتیجه مانند یک داروی رفع‌کننده مسمومیت‌ها، اثر می‌کند. ضمناً چنین بیان داشته که چون سیدان عمل آن، اختصاصاً در سیاهرگ‌های ناحیه پائین بدن می‌باشد ، اثر قاطع در جلوگیری از بروز عوارض ناشی از مصرف مداوم مواد یددار، در درمان اولس‌های سرطانی و رفع ضعف مغز یا ضعف عصبی ناشی از مسمومیت‌های

۱- در بعضی کتب علمی بجای گراتیولین ، وجود گراتیوزید در گیاه مذکور ذکر شده است (مرکز آیندکس) که هر دوی آنها ، یک ماده است.

2 - Retzloff, Arch. Pharm. 240, 561 (1902).

خود بخود و بی‌سوت‌های مداوم (به علت باقیماندن مواد دفعی در روده) وغیره خواهد داشت و در تمام موارد فوق نیز باید مقادیر کم گیاه مذکور مثلاً مقدار ۳ تا ۵ گرم برگ تازه و یا ۱ تا ۸ گرم برگ خشک آنرا در یک فنجان به صورت دم کرده تهیه کرده با قاشق در چندین دفعه با فاصله زیاد مصرف نمایند.

Dr. H. Leclerc ، چنین اظهار داشته که به عنوان مسهل قوی می‌توان از آن در مواردی که مصرف چنین مسهلی لازم گردد، استفاده بعمل آورد مشروط بر آنکه همواره به این نکته توجه شود که در گیاه یک ماده سمی برای قلب وجود دارد. از فرآورده‌های این گیاه به علت مدر بودن، نتایج خوب در رفع آب آوردن انساج به دست آمده است.

اطبای قدیم مانند Coste و Willemet ، دم کرده برگ گیاه را مخلوط با ریشه آن به بیماران مبتلا به خیز اعضای بدن داده و نتیجه مطلوب به دست آورده‌اند ضمناً از تجارب آنها این نتیجه نیز به دست آمده که اگر به جای دم کرده، گرد برگ گیاه مصرف شود یک حالت کسالت، اضطراب و تهوع در بیمار بوجود می‌آید.

فرآورده‌های این گیاه ، بر روی قلب نیز اثر دارد و بررسی‌های جدید که توسط Jaretsky در سال ۱۹۳۷ بعمل آمد، این گیاه را با توجه به اختصاصاتی که دارا می‌باشد در ردیف دیژیتال جای داده است و چون ماده مؤثر برگ این گیاه بر روی قلب، به سهولت در الکل حل می‌گردد در حالی که دم کرده آن فاقد مقدار کافی از آن می‌باشد، مصرف تنطوری الکی برگ گیاه، منحصرأ در معالجات قلبی ، مؤثر ذکر شده است مشروط بر آنکه به مقدار کم و در سانی به کار رود.

مسمومیت - مقادیر زیاد از حد درمانی این گیاه آثار مسمومیت شبیه مسهل‌های قوی بوجود آورده باعث تحریک معده و روده و بروز حالت تهوع یا شدت آن می‌گردد. ضمناً موجب التهاب و ورم کلیه و تحریک رحم می‌شود بطوری که در زنها باعث افزایش خون قاعدگی و در صورت باردار بودن موجب سرگ جنین می‌گردد. از عوارض دیگر آن این است که باعث بروز تشنجات و اختلال در نظم ضربان قلب و حرکات تنفسی و اغما می‌شود و خاتماً موجبات مرگ را فراهم می‌سازد.

از عوارض مسمومیت در مردها، باید اختلالات بیثباتی و رؤیت اشیاء را به رنگ سبز، نام برد (H. Schulz).

برای رفع مسمومیت باید مجاری هضم به خوبی تخلیه گردد ولی در هر حال از بکاربردن مسهل‌های تحریک‌کننده قوی، خودداری بعمل آید. گرد زغال و مواد مقوی، اثر سفید در شخص مسموم پس از تخلیه اسماء ظاهر می‌نماید.

صورت داروئی - دم کرده یا جوشانده ۳ تا ۸ گرم برگ تازه یا ۴ تا ۸ گرم برگ خشک در ۱۲ گرم آب (با افزودن گل پنیرک می توان حالت نرم کننده به محلول داد) برای مصرف در چندین دفعه با فاصله زیاد - تنقیه دم کرده ۲ تا ۴ گرم آن به عنوان تب بر.

محل رویش - وجود این گیاه در بعضی کتب علمی بدون تعیین محل رویش، در ایران ذکر گردیده است (۱).

از گیاهان سفید و غیر موجود این تیره در ایران به شرح مختصر انواع زیر اکتفا شده است (Reutter):

۱- *Leptandra virginica Nutt. * Veronicastrum virginicum (L.) Frau.* - گیاهی پایا و دارای ریزوم پوشیده از فلس است. در نواحی جنگلی ویرجینیا و اطراف نیویورک می روید، گل‌های سفیدریگ آن، ظاهر لوله‌ای شکل دارد و به صورت گل آذین سنبله مجتمع می باشد ریزوم و ریشه‌های گیاه، تنها قسمت مورد استفاده آنست. ریشه‌های گیاه را پس از خارج کردن از خاک، به خوبی شسته و خشک می کنند و تحت نام *Culver's root* در معرض استفاده درمانی قرار میدهند. طعم آن معطر ولی ضعیف و کمی تلخ است.

ترکیبات شیمیائی - ریزوم و ریشه این گیاه دارای مقدار بسیار جزئی اسانس، مواد پکتیکی، نوعی ماده رزینی به نام *leptandrine* ، اسیدهای چرب، استرول، استرهای سینامیک، *Methoxycinnamine* ، تانن و قندهای مختلف است.

از نظر درمانی دارای اثر مسهلی قوی است.

۲- *Capraria biflora ** - گیاهی است که در امریکای مرکزی می روید و برگ‌های آن بعنوان تقلب، به برگ چای افزوده می شود.

۳- *Curanga amara Juss.* - گیاهی است که در هند و هلند می روید و دارای گلوکزیدی به نام *کورانژین* *Curangine* ، به فرمول $C_{18}H_{27}O_7$ با طعم تلخ است. در آب غیر محلول و دارای اثر تب بر است (۲).

۴- *Escobedia scabrifolia Ruiz. et Pav.* - گیاهی است که در مکزیک و پرو می روید و ریشه اش تحت نام *آزافران* *asafran* ، در معرض استفاده قرار می گیرد. از آن، نوعی ماده رنگی استخراج می شود.

۵- *Pedicularis palustris L. ** ، در نواحی مردابی اروپا می روید و ریشه اش دارای اثر مدرو مصارف درمانی است.

* *Scoparia dulcis L.*

فرانسه : *Scopaire doux* انگلیسی : *Sweet broom weed* ایتالیائی : *Scopa dolce*
آلمانی : *Süses besenkraut* عربی : دفر (Dofre)

گیاهی است علفی که در بعضی از نواحی حاره امریکا، جزایر مارتینیک می روید ولی در ایران یافت نمی شود. اعضای مختلف آن دارای ارزش درمانی است و به مصارف درمانی مختلف بنحوی که شرح داده می شود می رسد. استفاده از آن در بعضی فارماکوپه‌ها نیز ذکر شده است (۱).

۱- جوشانده یک شاخه گلدار گیاه در یک فنجان آب، اثر ضد تشنج و آرام کننده سریع سرفه‌های عصبی ظاهر می کند. مقدار مصرف آن می تواند به ۲ تا ۳ فنجان در روز برای اشخاص بالغ افزایش یابد.

۲- دم کرده یک مشت برگ کاملاً شسته گیاه، به مدت ۱۵ دقیقه در نیم لیتر آبجوش، به صورت کمپرس و شستشوی زخمها مورد استفاده قرار می گیرد. این دم کرده به علت دارا بودن اثر قابض، خاصیت درمانی در معالجه زخم‌های دیر علاج ظاهر می کند.

۳- دم کرده شاخه گلدار و برگ گیاه به مدت ۱۰ دقیقه در نیم لیتر آبجوش ، اثر قوی آور در اطفال دارد. از آن برای تنظیم و متعادل کردن وضع ماهیانه در هنگام وقوع قاعدگی استفاده بعمل می آید.

۴- از مخلوط کردن له شده برگهای گیاه در پیه و وازلین، نوعی پماد به دست می آید که بواسیر را درمان می کند.

۵- جوشانده ریشه گیاه دارای اثر قابض و نرم کننده است و از آن برای درمان بیماریها استفاده بعمل می آید.

این گیاه در ایران نمی روید.

با پراکندگی وسیعی که گیاهان این تیره در نواحی مختلف ایران دارند، نمونه‌هایی از آنها ممکن است مورد استفاده مردم در درمان بیماریها قرار داشته باشد که خود بستلزم بررسی‌های منطقه‌ای وسیع در نواحی مختلف کشور است.

تیره پیچ اناری Bignoniaceae

گیاهانی به صورت درخت یا درختچه و دارای انواع متعددی با ساقه های بالارونده می باشند. عموماً در مناطق گرم کره زمین مخصوصاً در امریکای جنوبی و قسمتی نیز در افریقا و آسیا، ناحیه چین و ژاپن می رویند. دارای حدود ۷۵۰ نوع اند که در ستجاوز از ۱۰۰ جنس جای دارند، از مشخصات آنها این است که برگهای ساده یا مرکب از برگچه ها و یا انگشتی شکل ولی عاری از استیپول و گلهای غالباً درشت، نرم ماده، نامنظم، ه قسمتی، به وضع مجتمع یا به صورت گل آذین های خوشه یا گزن دارند. در داخل جام گل آنها ۴ پرچم دی دینام (گاهی ۲ پرچم) و مادگی ۲ برچه ای جای دارد.

سیوه آنها به صورت پوشینه غالباً دراز است که از راه شکاف های طولی و یا به صورت دیگر باز می شود و دانه های متعدد فاقد آلبومن به خارج می ریزد.

از جنس های مهم آنها، Bignonia (۲ گونه)، catalpa (۶ گونه) و Tecoma (۸ گونه)) را نام می بریم.

در این تیره گیاهان دارویی مهم جای ندارد ولی انواع زینتی فراوان در بین آنها مشاهده شده است. نمونه های مفید این گیاهان به شرح زیر است:

*Streospermum tetragonum DC.

درختی به ارتفاع ۹-۱۸ متر و دارای شاخه های گسترده و پوشیده از پوست تیره مایل به زرد است. برگچه های شانهای فرد به طول ۳-۵ سانتیمتر، مرکب از ۳-۵ زوج برگچه با یک برگچه انتهائی دارد. برگچه های آن به طول ۱۰-۱۲ و به عرض ۵-۲ سانتیمتر می باشد و عموماً ظاهر بیضوی نوک تیز و وضع متقابل بر روی محور مشترک دارند. گلهای آن به وضع مجتمع و به صورت گل آذین پانیکول، در قسمتهای انتهائی شاخه ها ظاهر می شود و دارای رنگ زرد و تزئیناتی از خطوط ظریف به رنگ ارغوانی مایل به قرمز است. در سیوه پوشینه و چهار گوش و قهوه ای رنگ آن، دانه های دراز جای دارد.

در ایران نمی روید. در جنوب آسیا مانند نواحی مرطوب هند، سیلان و اطراف آن پراکنده گی دارد. ریشه و برگ و گل آن به مصارف درمانی می رسد.

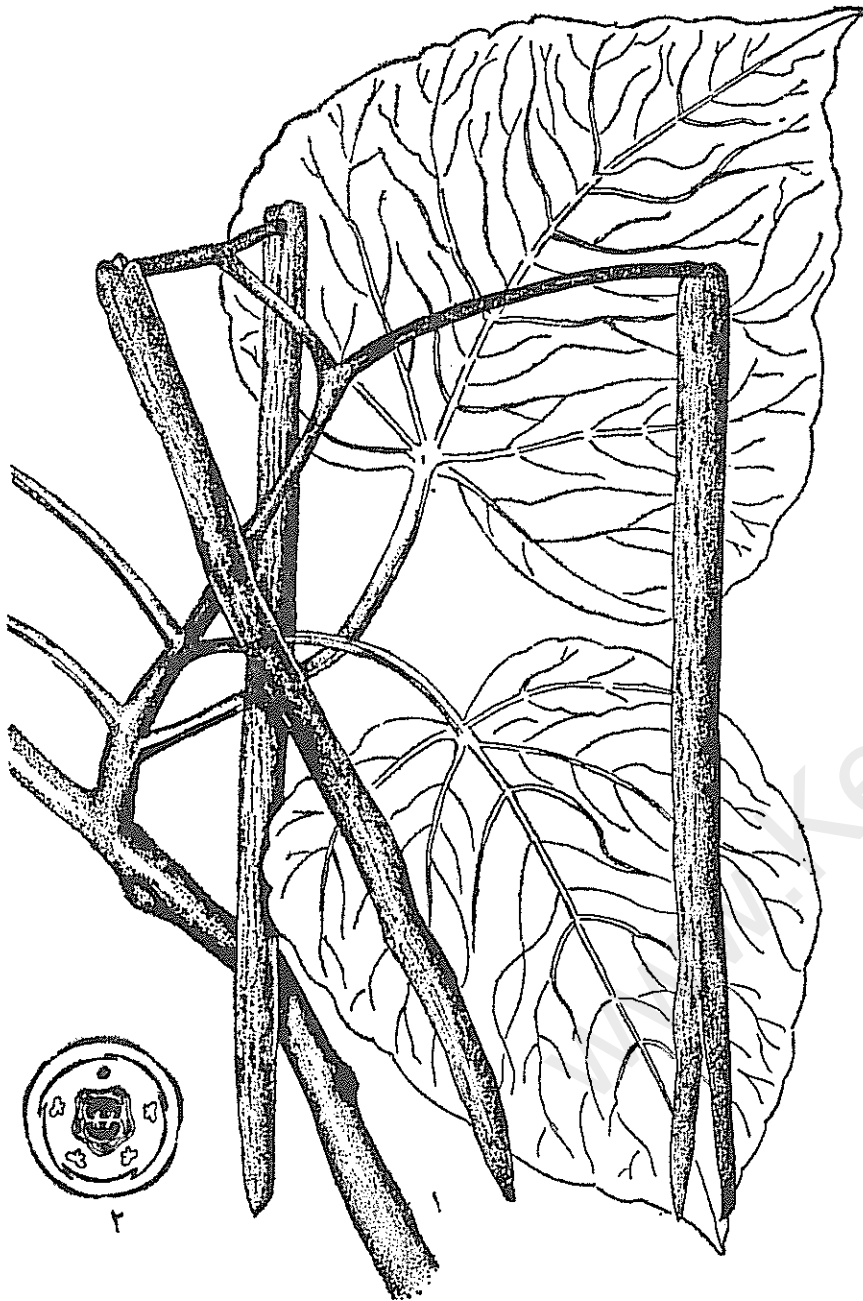
خواص درمانی- جوشانده برگ، گل و ریشه گیاه به عنوان تب بر مورد استفاده قرار می گیرد. شیره برگهای تازه گیاه، مخلوط در آب لیمو، جهت تسکین ناراحتیهای بیماران مجنون مصرف می شود. گل و سیوه گیاه درگزیدگی عقرب و رفع ناراحتی آن، مفید واقع می گردد.

S. suaveolens DC.* درختی به ارتفاع متوسط ۱۰ متر و دارای برگهای متقابل منقسم به برگچه های نوک تیز و گلهای نسبتاً معطر، به رنگ ارغوانی تیره است. در نواحی خشک جنوب آسیا، هند و برمه می روید بعلاوه پرورش می یابد.



ش ۱۷۶ - Streospermum tetragonum : شاخه گلدار (Ayur. dr.)

از ریشه اش جهت رفع التیاب و آماس، استفراغ و درمان آسم استفاده بعمل می آید. گلهای آن طعم تلخ و مطبوع دارد و در شکم روشهای همراه با دفع صفرا مصرف می گردد. سیوه اش سسکه را درمان می کند و بعلاوه در موارد کمی دفع ادرار مورد استفاده قرار می گیرد (Ayurveda).



ش ۱۷۷ - *Catalpa bignonioides* : ۱- شاخه میوه‌دار (اندازه طبیعی)
۲- دیاگرام از *B. unguis* (Meikle)

* *Catalpa bignonioides* Walt.

C. cordifolia Jaume ، *Bignonia Catalpa* L.

فرانسه: *Catalpa*; انگلیسی: Southern *Catalpa*; آلمانی: Trompetenbaum; ایتالیایی: *Catalpa*

درختی است زیبا و زینتی که معمولاً در باغها و حتی منازل اقدام به پرورش آن می‌گردد. بومی اسرکای شمالی است ولی امروزه به علت دارا بودن ظاهر زیبا و پرورش در نواحی مختلف، در غالب نقاط پراکندگی حاصل نموده است. از مشخصات آن این است که برگهایی با پهنک بزرگ نوک تیز و منتهی به دمبرگ دراز دارد. میوه‌اش باریک و دراز و دارای ظاهری شبیه لوبیای-سبز است.

ترکیبات شیمیایی: میوه تازه و نارس گیاه دارای کاتالپوزید *catalposide* است.

کاتالپوزید *Catalposide* (کاتالپین *Catalpin*) ، به فرمول $C_{27}H_{49}O_{13}$

و به وزن سلکولی ۴۸۲.۰۴ است. از *Catalpa ovata* G. Don. و *C. bignonioides* Walt. به دست می‌آید(۱).

کاتالپوزید، در مخلوط ستانول و استات اتیل، حالت متبلور پیدا می‌کند. در گرمای ۲۱۵-۲۱۶ درجه ذوب می‌شود. در آب و الکل به مقدار زیاد ولی در بنزن، اتر و کلروفرم، به مقدار بسیار کم محلول است.

خواص درمانی- پوست ساقه آن اثر قوی آور و ضد کرم دارد. میوه‌اش سابقاً برای رفع آسم مورد استفاده قرار می‌گرفته است.

C. speciosa Warder. که در ایران پرورش می‌یابد، گل‌هایی درشت، پیاپی رنگ و

معطر دارد ولی کم دوام است. در اواخر مرداد ظاهر می‌گردد و چون میوه‌اش شباهت ظاهری به جوالدوز دارد از این جهت به درخت جوالدوز موسوم گردیده است.

Bignonia undulata Roxb. ، *Tecomella undulata* (Roxb.) Seem. گیاهی

به صورت درختچه کوچک یا بوته‌های چوبی و دارای شاخه‌هایی به حالت گسترده و خمیده به پائین ، پوشیده از تارهای پنبه‌ای خاکستری رنگ است. برگهای متقابل باریک و دراز با کناره صاف، به طول ۵-۱۲٫۵ و به عرض ۱-۳ سانتیمتر دارد. گل‌های آن بدون بو، به رنگ زرد- نارنجی یا قرمز اناری و مجتمع به صورت خوشه‌های کم گل است. میوه پوشینه و باریک و دراز آن، دارای طولی برابر ۲ سانتیمتر و محتوی دانه‌هایی به طول ۲ و به عرض یک سانتیمتر می‌باشد.

1 - Claassen, Am. Chem. J. 10, 228 (1888).

در ایران، هند و عربستان پراکنده است.

خواص درمانی - در رفع ترشحات زنانگی مؤثر واقع می‌گردد بعلاوه از آن، جهت درمان لکه‌های سفید رنگی که معمولاً در ناحیه‌گردن ظاهر می‌شود (Leucoderma) و همچنین درمان بزرگ شدن طحال، استفاده بعمل می‌آید. پوست شاخه‌های جوان آن جهت رفع عوارض سیفیلیس مصرف داشته است.

محل رویش - خوزستان، نزدیک اندیمشک، شوش، لار، ۱۰۰ کیلومتری حاجی‌آباد نزدیک طارم.

نام محلی آن در نواحی مذکور، انار شیطان است.

از گونه‌های دارویی و قابل ذکر این تیره که عموماً بومی ایران نیستند به شرح مختصر انواع زیر سبادت می‌شود:

۱- **Tecoma leucoxydon (L.) Mart.** * ، در نواحی حاره آمریکا می‌روید. برگ آن خاصیت تصفیه‌کننده خون دارد و چوب آنبوس قهوه‌ای و سبز از آن به دست می‌آید که اثر معرق دارند و ماده به نام **لاپاکول** (Lapacol) ، به رنگ زرد و قابل تبلور از آنها به دست می‌آید. **لاپاکول** (Lapacol) (اسید لاپاکیک lapachic acid ، taiguic acid ، نکوسین tecomin) ، به فرمول $C_{15}H_{14}O_6$ و به وزن سلکولی ۲۶۲٫۲۶ است. از گیاه مذکور و دانه گیاهان مختلف مانند *Nectandra rodioei* Hook. (از تیره Lauraceae) که در گینه انگلیس می‌روید و *Greenheart* نامیده می‌شود استخراج گردیده است^(۱).

لاپاکول به صورت ذرات منشور شکل زرد رنگ در الکل یا اتر متبلور می‌شود. در گرمای ۱۴۰ درجه ذوب می‌گردد. در الکل، کلروفرم، بنزن و اسید استیک بمقدار زیاد ولی در اتر و آب داغ به مقدار بسیار کم محلول است. در محلول سود حل شده، ایجاد ملح سدیم به رنگ قرمز شفاف می‌نماید.

دارای اثر ضد مالاریا است^(۲)

1 - Arnoudon, Compt. Rend. 41, 1152 (1857).

۲ - در سرک ایندکس تحت نامهای tecomin (نام مترادف لاپاکول) و Tecomine ، دو ماده جدا با فرمول شیمیائی متفاوت معرفی شده که دومی، به فرمول $C_{11}H_{17}NO$ و به وزن سلکولی ۱۷۹٫۲۰ می‌باشد. استخراج این ماده از گیاهی به نام *Tecoma Stans (L.) H.B.K.* توسط Motawi و Hammouda (در سال ۱۹۰۹) انجام گرفته است. حالت مایع دارد و برای آن اثر درمانی نیز ذکر نشده است.

از گیاه مذکور، نمونه‌های زینتی چندی در ایران پرورش می‌یابد که مهمترین آنها *T. grandiflora* Loisel. می‌باشد و به پیچ اناری گل درشت موسوم است. این گیاه بومی چین و ژاپن است و از آنجا به ایران راه یافته است.

T. pentaphylla Juss. * ، درختی است که در جزایر آنتیل می‌روید و به

درخت گلابی آنتیل موسوم است (Poirier d' Antilles). پوست درخت اثر تب‌بر دارد.

۲- **Jacaranda procera** Spreng. * ، درختی است زیبا که در آمریکا، مخصوصاً ناحیه برزیل می‌روید. برگهای ساده، متناوب و نوک تیز با طعم تلخ قابض دارد. از آن در بیماریهای پوستی، خنازیر و به عنوان سدر استفاده بعمل می‌آید.

۳- **Bignonia nodosa** Manso * ، گیاهی بالارونده و مخصوص آمریکای جنوبی است. از برگ آن به عنوان سدر و معرق استفاده می‌گردد.

برگهای این گیاه دارای ماده‌ای به نام **کاروبین** Carobine و همچنین مواد رزینی و پکتیکی است. ماده مذکور در بعضی دیگر از گونه‌های این گیاه نیز یافت می‌شود (Reutter).

۴- **Anemopaegma mirandum** DC. * ، گیاهی است بالارونده که اختصاصاً در نواحی مختلف آمریکای جنوبی می‌روید. گلهائی به رنگ زرد و مجتمع به صورت خوشه‌های ساده دارد.

برگ، ساقه و ریشه این گیاه در برزیل به عنوان تقویت کننده قوه بقاء مصرف می‌شود در حالی که بررسی‌های علمی جدید، دارا بودن این اثر را بکلی رد نموده است.

از اعضای این گیاه ماده‌ای به نام **کاتوآبین** Catuabin به دست آمده که بسیار محلول در آب است. این ماده اگر به مقدار یک میلی‌گرم بر حسب هر کیلوگرم وزن بدن، به سگ تزریق درون وریدی گردد، موجبات کندی حرکات تنفسی جانور را فراهم می‌سازد و اگر به مقدار نسبتاً زیاد مانند ۰۵ میلی‌گرم بر حسب هر کیلوگرم وزن بدن، به جانور تزریق درون وریدی شود، عوارض شدید بوجود می‌آورد ولی باعث سرگ حیوان نمی‌گردد.

Crescentia Cujete L. * - درختی کوچک و به ارتفاع ۶ تا ۷ متر است. در آنتیل

و نواحی حاره آمریکای جنوبی می‌روید. برگهای ساده یا مرکب از ۳ برگچه نوک تیز و مجتمع در انتهای شاخه‌ها دارد، گلهای آن به رنگ مایل به سبز و میوه آن بزرگ و حجیم با ظاهر مدور و پوشش سخت و مقاوم است. قسمت گوشندار میوه آن در نواحی محل رویش به مصرف درمان

آکانتاسه Acanthaceae

آکانتاسه‌ها، شامل حدود ۲۰۰۰ نوع گیاه‌اند که در متجاوز از ۲۰۰ جنس جای دارند. اختصاصاً در مناطق گرم و استوایی کره زمین می‌رویند بطوری که فقط محدودی از آنها در مناطق معتدله یافت می‌شوند. گیاهانی بصور مختلف علفی یا بوته‌های چوبی و گاهی بالارونده‌اند. برگهای ساده، به‌وضع متقابل و گلهای نر- ماده، ۵ قسمتی (بندرت ۴ قسمتی) و مجتمع به‌صورت مختلف سنبله یا خوشه دارند. کاسه‌گل آنها شامل ۲ لب و جام‌گل دارای لوله‌ای، کم و بیش منتهی به ۲ لب است. پرچمهایی غالباً ۴ تایی (۲ بزرگ و ۲ کوچک) و سیوه‌ای به‌صورت پوشینه یا به‌اشکال دیگر دارند. دانه‌های درون سیوه آنها پس از رسیدن معمولاً بشدت به‌خارج پرتاب می‌شود که خود موجبات انتشار این گیاهان را فراهم می‌آورد.

جنس‌های مهم آنها عبارتند از *Barleria* (۱۰ گونه)، *Acanthus* (۲۰ گونه) و *Justicia* (۲۰۰ گونه).

Blepharis persica (Burm.) O. Kuntz.

Blepharis edulis (Forsk.) Pers. ، *Ruellia persica* Burm.

فرانسه : Blepharie ایتالیائی : Blefaride هندی : Guthava ، Shaupatia ، Shiriri ،
فارسی : انجره (Anjara) - عربی : شوك الضنب، شقف (Shuquf)، زغاف (Zughâf)
گیاهی چندساله و دارای ساقه کوتاه، خشن و منشعب است. برگهای ساده با ظاهر بیضوی دراز و عاری از دمبرگ دارد. کناره برگهای آن در قاعده ساقه، صاف و دارای خارهای ظریف ولی در قسمتهای بالای آن، دنداندار خاردار است. گلهای آبی‌رنگ و زیبای آن، در براکته‌های نوک‌تیز و خاردار به‌طول ۲-۳ سانتیمتر جای دارد و مجموعاً به‌صورت گل‌آذین خوشه‌ظاهر می‌شود. سیوه‌اش پوشینه، تخم‌برغی و نوک تیز، به‌طول متوسط ۵ سانتیمتر (گاهی بیشتر) و محتوی دو دانه می‌باشد.

در منطقه وسیعی از نواحی گرم کره زمین مانند جنوب ایران، عربستان، مصر و حبشه می‌رویند. برگ، ریشه و دانه آن به‌بصارف درمانی می‌رسد.

خواص درمانی - برگ تازه گیاه طعم تند و نسبتاً مطبوع و اثر قابض، اشتهاآور، نیرودهنده و مقوی بآ دارد و در موارد مختلف درمانی مانند عدم دفع ادرار و ناراحتی‌های روحی، مورد استفاده قرار می‌گیرد. دانه گیاه نیز در موارد عدم دفع ادرار که با ناراحتی و درد همراه است و اینحالت بر اثر اسپاسم مثانه پیش می‌آید، اثر درمانی ظاهری می‌کند (Ayurveda).

سیاه سرفه و در استعمال خارج جهت درمان سوختگی‌ها و آفتاب‌زدگی می‌رسد. از پوشش ضخیم سیوه نیز جهت تهیه کاسه و ظروف آشپزخانه استفاده می‌شود (Perrot Em.).

در قسمت گوشتدار سیوه، دانه‌های متعددی جای دارد که محتوی ۲۰ تا ۳۰ درصد از اندوخته‌های روغنی می‌باشند. روغن حاصل از آنها نیز رنگ زرد روشن دارد و در گرمای زیر صفر درجه می‌بندد. فاقد مصارف خوراکی و دارای اختصاصاتی مشابه روغن‌های دیگر ولی با طعم تلخ است. اندیس صابونی و اندیس‌ید آن به ترتیب ۱۹۰ تا ۱۹۲ و ۷۸ تا ۸۹ می‌باشد.

روغن مذکور دارای ۱۹۰۷ درصد از اسیدهای چرب اشباع شده است و بقیه آنرا اسیدهای چرب اشباع نشده مانند اسید اولئیک (۴۰۹ درصد)، اسید لینولئیک (۱۰۹۳ درصد) و اسید لینولنیک تشکیل می‌دهد.

Parmentiera cerifera Seem. گیاهی است که در شبه جزیره پاناما می‌روید.

سیوه‌اش بسیار دراز، به‌طول متجاوز از یک متر و پوشیده از نوعی مو قابل استفاده است.

از درختان زیتنی این تیره انواع *Kigelia africana* (Lam.) Benth. * و *K. aethiopica* Decaisnc. را نام می‌بریم که سیوه‌های آویخته بر روی پایه‌ای بسیار دراز دارند بطوریکه، درختان مذکور در هنگام سیوه، منظره خاص پیدا می‌کنند. این درختان در شمال سودان می‌رویند و بعلاوه پرورش می‌یابند.

Oroxylum indicum Vent. * - درختچه‌ای کوچک و دارای سنبله‌هایی از مجموعه

گلهای گوشتدار، و به‌رنگ زرد روشن است. در آغاز فصل بارانی گل می‌دهد. سیوه آن دانه‌های فراوانی تولید می‌کند که هر یک، محصور در یک بال پهن و ظریف است. پوست ریشه گیاه، ارزش زیاد در طبابت‌های هند دارد و معمولاً مخلوط با خارخسک (*Tribulus terrestris*) و اعضای گیاهان دیگر مصرف می‌شود.

پوست ریشه گیاه اثر قابض و مقوی دارد. در رفع دیسانتری و شکم‌روش مورد استفاده قرار می‌گیرد. جوشانده ریشه گیاه در روغن کنجد، جهت درمان و رفع ترشحات گوش (Otorrhée) مصرف دارد. غلاف سیوه (pode) نیز دارای اثر اشتهاآور و مقوی تلخ است. اثرات درمانی مختلف دیگر نیز برای اعضای گیاه قائل‌اند (Pharmacographia Indica).

هیچیک از گیاهان مذکور بومی ایران نیستند.

ریشه گیاه مدر است. برگ آن بطوری که بررسی گردیده اثر بندآورنده خون دارد و از آن در موارد مختلف مانند درمان التهاب، سرفه، آب آوردن شکم و ناراحتی های کبدی و طحال می توان استفاده بعمل آورد. التیام دهنده است.



ش ۱۷۸ - *Blepharis persica* : ۱- سرشاخه گلدار ۲- گل - ۳- دیانگرام

محل رویش - جنوب ایران، کرمان: کوه جبل، لار، بندرعباس، بین لار و بندر لنگه، هرمز، قشم، فارس، برازجان، بلوچستان: مکران، سرباز، رشک، هودیان و خاش در ۱۰۰ متری. نوع دارویی و غیره موجود آن در ایران *Blepharis capensis* Pers. * است که در افریقای جنوبی می روید. اعضای هوایی و ریشه آن به صورت دم کرده و به عنوان ضد عفونی کننده، همچنین درمان سسمومین از گوشت فاسد مورد استفاده قرار می گیرد.

* *Acanthus mollis* L.

A. latifolius Hort. ex. Groeze ، *A. spinosissimus* Hort. Fl. Austr.

فرانسه : Acanthe à feuille molle ، Branc - ursine ، Branche - ursine

انگلیسی : Weiche Bärenklau ؛ آلمانی : Branke ursine ، Bear's breech

ایتالیایی : Piè d'orso ، Cardoncione ، Marmoracia ، Brancorsina

عربی : رجل الدب ، کنکر (Kankar) ، سمس (masmas) ، شوك الیهود

گیاهی چند ساله، زیبا و به ارتفاع ۳۰ - ۸۰ سانتیمتر است. برگهای بزرگ، متقابل، متقسم به تقسیمات عمیق و دنداندار دارد. گلهای درشت و زیبای آن به صورت خوشه ای دراز، در رأس شاخه ها ظاهر می گردد. رنگ جام گل آن از داخل صورتی و از خارج تقریباً سفید است. بوی قوی و ناپسند. نیز از آن استشمام می گردد. براکته گلهای آن به خلاف گیاه قبلی، خارهای نولک تیز دارد. در جنوب اروپا پراکنده است.

تاریخچه و صارف درمائی - این گیاه از قدیم الایام مورد شناسائی و استفاده سردم یونان و رم بوده است. دیوسکورید (قرن اول میلادی) برای آن اثر مدر و رفع اسهال قائل بوده، مصرف آنرا جهت رفع یبوست نیز توصیه نموده است بعلاوه مالیدن قطعات گیاه یا گرد آنرا در رفع سوختگیها و در رفتگیها مؤثری دانسته است. جالینوس، استفاده از ریشه گیاه را برای صارف درمائی در آثارش توصیه کرده است. در قرون وسطی و در قرن ۱۶ میلادی، مصرف آن تقریباً به فراموشی سپرده شد. بعداً تدریجاً مورد توجه قرار گرفت و در ردیف گیاهان نرم کننده جای داده شد.

کلیه قسمتهای گیاه، مخصوصاً ریشه و برگ آن، اثر نرم کننده و التیام دهنده دارد و چون لعابدار است، از آن برای صارفی مشابه پنیرک و ختمی، به منظور رفع التهاب و ورم استفاده می شود. ریشه گیاه نیز چون اثر درمانی شبیه *Symphytum officinale* دارد، به صارفی شبیه به آن می رسد. از برگهای تازه گیاه به صورت ضماد، کمپرس و بخور، استفاده می شود. محلولهای حاصل از آن به صورت حمام موضعی، جهت درمان سوزاء، التهاب و ورم پوست بدن و غیره به صارف درمانی می رسد. تنقیه جوشانده آن، برای رفع دیسانتری، تحریکات روده، بواسیر، التهاب و ورم - مثانه (شستشو با محلولهای نیمه گرم بصورت مداوم) نتایج مطلوب ظاهر می کند.

اعضای گیاه در رفع نزله ها و اخلاط خونی اثر معالج ظاهر می کند (Dragendroff). ضمناً برای شیر تازه گیاه، اثر قاطع تر در درمان بیماریها ذکر گردیده است (Gilibert در سال ۱۷۹۸ میلادی).

صورت دارویی - جوشانده ۱۰ گرم گیاه در ۱۰۰ گرم آب.

باید توجه داشت که چون مصرف برگ تازه گیاه مزیت دارد. از این جهت در موقع مصرف، اقدام به جمع آوری آن می‌شود. همیشه برگها باید قبل از ظاهر شدن گل در گیاه، چیده شود و سپس در سایه خشک گردد. گل‌های گیاه باید همیشه در تابستان ولی ریشه‌های آن در پائیز جمع آوری گردد. در ایران نمی‌روید.

* *Adhatoda Vasica* Nees

Justicia Adhatoda L.

فرانسه : Bashing ، Adalsa ، Noyau de Ceylan ، Carmantine هندی :

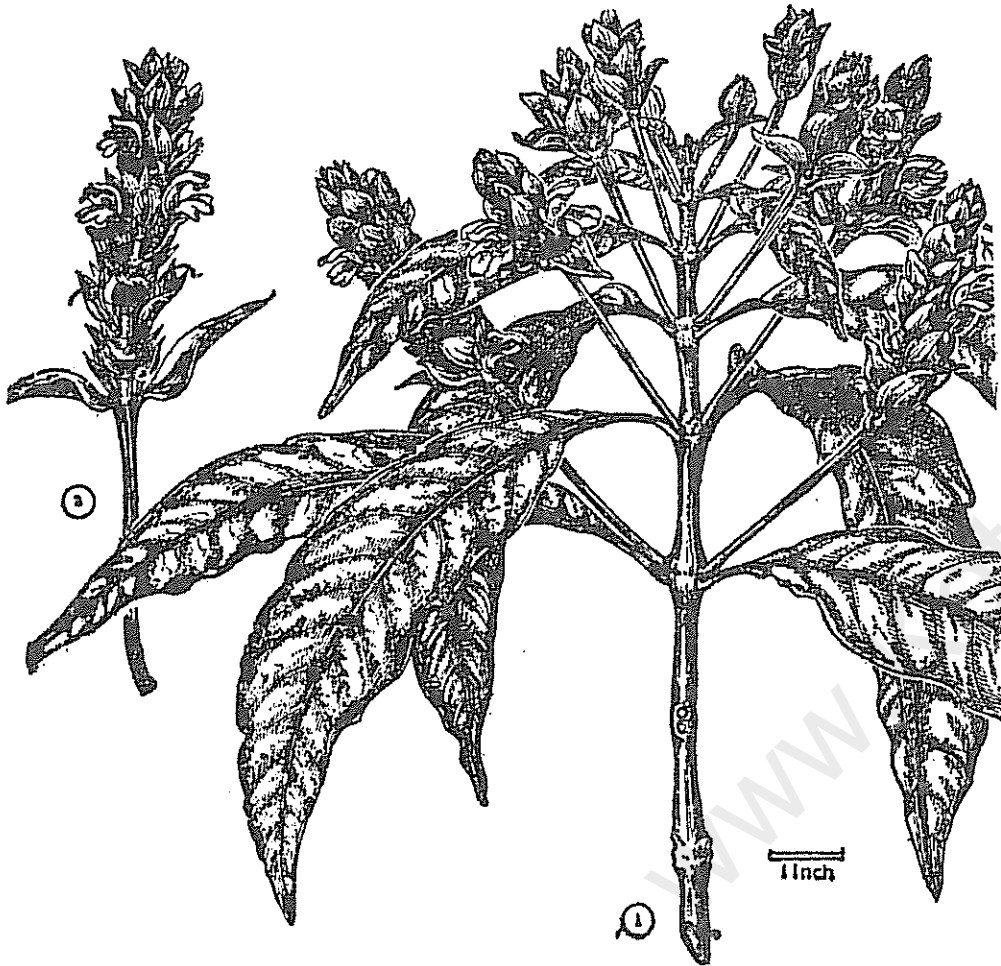
گیاهی به صورت بوته نسبتاً مرتفع، پرپشت و به ارتفاع ۱-۲ متر است. شاخه‌های آن، حالت قائم و یا زاویه کم با محور ساقه دارد و پوستی به رنگ مایل به زرد آنها را می‌پوشاند. برگ‌های آن بیضوی دراز، به طول ۱۲، به عرض ۵ سانتیمتر و منتهی به نوک باریک و دارای کناره موجدار است. دمبرگ کوتاهی نیز پهنک برگ را به ساقه متصل می‌سازد. گل‌های آن که بطور مجتمع در قسمت انتهائی دمگل‌هائی واقع در کناره برگ‌ها جای دارد به رنگ قرمز سی است. میوه‌اش به طول ۱۰ و به عرض ۶ سانتیمتر و محتوی دانه‌های مدور و نسبتاً دراز و پوشیده از برجستگی‌های کوچک می‌باشد. در هند و سیلان و مالایا می‌روید و پرورش می‌یابد. قسمت مورد استفاده آن، ریشه، برگ، گل، میوه و گاهی کلیه اندام‌های گیاه گلدار است. ترکیبات شیمیائی - اعضای مختلف گیاه، دارای الکتروئیدی به نام وازی سین *vasicine* و اسانس است.

خواص درمانی - قسمت‌های مختلف گیاه، طعم تند، تلخ و ناپسند دارد و از آن به عنوان تصفیه کننده خون، رفع عوارض برونشیت، آسم، استفراغ و غیره استفاده می‌گردد. ریشه‌اش مدبر است. برگ آن به عنوان قاعده آور مصرف می‌شود. برای ریشه، برگ مخصوصاً گل‌های آن، اثر ضد تشنج قائل‌اند. گرد ریشه آن جهت رفع تب مalaria به کار می‌رود بعلاوه آنرا به عنوان خلط آور و ضد تشنج مصرف می‌نمایند. در سیلان از گیاه کاسل برای درمان زیادی خون قاعدگی استفاده بعمل می‌آید. کلیه قسمت‌های گیاه مخصوصاً برگ آن اثر ضد عفونی کننده و دفع طفیلی‌های روده دارد.

در ایران نمی‌روید.

انواع دارویی معدودی به شرح زیر و با ارزش کم نیز در این تیره جای دارد که هیچیک از آنها در ایران نمی‌رویند:

۱- *Andrographis paniculata* Nees * - گیاهی است علفی، پایا، دارای برگ‌های متقابل و گل‌هائی مجتمع به صورت خوشه‌هائی در محور ساقه که در برخی از نواحی حاره آسیا مانند



ش ۱۷۹ - *Adhatoda Vasica* : ۱- شاخه گلدار ۲- گل آذین (Ayur. dr.)

مناطق شرقی هند می‌روید. به علت مقوی بودن و دارا بودن اثر مقوی معده و رفع دیسانتری نیز در محل رویش، به مصارف درمانی می‌رسد ضمناً بومیان محل، آنرا بهترین داروی رفع ناراحتی‌ها گزش مار می‌دانند.

R. Gorter در سال ۱۹۱۱، از آن نوعی لاکتون به نام **آندروگرافولید** andrographolide

به دست آورد.

۲- **Gymnostachyum febrifugum** Benth. * - گیاهی علفی و دارای گل‌های

مجتمعی با جام منقسم به دو لب متمایز است. اختصاصاً در نواحی حاره آسیا مخصوصاً مناطق شرقی هند می‌روید.

بومیان هند برای ریشه آن اثر تب بر قائل اند و برای این کار نیز قبلاً ریشه گیاه را در شیر آهک می‌خیسانند و بعداً مصرف می‌کنند. از جوشاندن مخلوط آن با سیر و فلفل سیاه، نوعی مشروب تهیه می‌نمایند که به زنان، پس از وضع حمل می‌دهند (C. A. Barber).

۳- **Hygrophila spinosa** T. Anders * - گیاهی است علفی و دارای ساقه چهار گوش که در نواحی شرقی هند و مالایا می‌روید. دانه اش کلیوی شکل به قطر متوسط یک سیلیمتر و دارای ظاهری شبیه دانه خردل است و علاوه بر موسیلاژ فراوان، معادل ۲ درصد مواد روغنی و مقدار بسیار جزئی از نوعی الکلوتید در آن یافت می‌شود.

از سوختن دانه‌های آن، معادل ۱ درصد خاکستر برجای می‌ماند که به علت دارا بودن مقدار کافی پتاس، دارای اثر سدر می‌باشد و از این نظر مورد استفاده قرار می‌گیرد.

Dianthera pectoralis J. F. Gmel. * ، *Justicia pectoralis* Jacq. ، گیاهی

است که در ژامائیک می‌روید و از آن به عنوان خلط‌آور، نرم کننده سینه و التیام دهنده استفاده می‌گردد. در آنتیل از آن، نوعی شربت بسیار مؤثر تهیه می‌شود. در فرمول البکسیرها مانند *E. american de Courceles* که از اعضاء گیاهان دارویی مختلف تهیه می‌شود وارد می‌گردد (دورول).

هیچیک از گیاهان اخیر که در این تیره ذکر شده در ایران نمی‌رویند بطوری که از این تیره منحصرآ نمونه‌های معدودی در ایران یافت می‌شود که اختصاصاً در نواحی گرم مانند بلوچستان بدانها برخورد می‌شود.

از گیاهان مفید دیگر این تیره انواع زیر شرح داده می‌شود:

۱- **Dicliptera bivalvis** Juss. * - درختی است که در نواحی مختلف هند می‌روید

و ریشه اش به عنوان خلط‌آور مصرف می‌شود.

۲- **Ecbolium linnaeanum** Kurz. * - گیاهی است که در نواحی مختلف آسیا و

افریقا می‌روید. برگ و سیوه آن اثر سدر دارد و از آنها جهت رفع ناراحتی‌های نفوس استفاده بعمل می‌آید.

۳- **Graptophyllum pictum** L. * ، در استرالیا می‌روید. برگ و پوست آن دارای

نوعی ماده الکلوتیدی و کومارین است. از آنها نوعی لوسیون برای تقویت رشد موی سر تهیه می‌شود.

۴- **Hypoestes triflora** Roem. * - گیاهی است که در حبشه می‌روید و از اعضای آن بعنوان خلط‌آور استفاده درمانی بعمل می‌آید.

۵- **Jacobinia aurea** Hemsl. * - گیاهی است که در گواتمالا می‌روید و از آن، جهت رفع بحران‌های بیماری صرع استفاده بعمل می‌آید.

در تیره **Orobanchaceae**، گیاهان دارویی معدودی با ارزش کم وجود دارد که بعضی از آنها در ایران یافت می‌گردند. این گیاهان عموماً علفی، طفیلی، فاقد کلروفیل، دارای ساقه گوشتدار ولی عاری از برگ‌اند و یا آنکه در آنها برگ‌های فلس مانند دیده می‌شود. گل‌های آنها نر- ماده، مرکب از قطعات ۵ تائی و دارای ۴ پرچم دی‌دینام و مادگی ۲ پرچه‌ای (بندرت ۳ پرچه‌ای) است. عموماً، سیوه پوشینه و سختی دانه‌های آلبومن دار دارند.

این تیره شامل تقریباً ۲۰۰ نوع گیاه است که در ۱۲ جنس جای داده شده‌اند. جنس مهم آنها *Orobanche* می‌باشد.

انواع مفید دارویی آنها به شرح زیر است:

* **Orobanche alba** Steph.

O. Epithymum DC. ، *O. ferruginea* C. Koch.

فرانسه : Epithym آلمانی: Weisse sommerwurz ایتالیایی: Succiamele del Timo

گیاهی است علفی، پایا و دارای ساقه راست، کرکدار و چسبناک، به ارتفاع ۱۰ تا ۳ سانتیمتر که طول آن در نواحی مساعد از ۵ سانتیمتر نیز ممکن است تجاوز نماید. ساقه و فلسها آن به رنگ زرد مایل به قرمز (بندرت زرد) و گل‌های آن به رنگ سفید مایل به زرد یا زرد و یا مایل به قرمز است. از مشخصات آن اینست که بر روی جام گل آن، خطوط ارغوانی رنگ و در طول ساقه آن، فلسهائی به درازای ۸ تا ۲۲ میلیتر، به وضع فاصله‌دار دیده می‌شود. از گل‌های آن که در فروردین تا مرداد ظاهر می‌گردد، بوی ملایمی شبیه بوی میخک استشام می‌شود. از قاعده ساقه گیاه به سهولت سکنده‌هائی خارج می‌گردد که به گیاهان مجاور اتصال پیدا نموده از ریشه و ساقه آنها سواد غذائی اخذ می‌کند.

از گیاهان میزبان آن باید انواع مختلف *Thymus* مخصوصاً *Th. serpyllum*

و *Th. vulgaris* گونه‌های مختلف *Teucrium* ، *Euphorbia* ها ، *Potentilla* ها و همچنین

سرزه را نام برد.

خواص درمانی - قاعده ساقه آن اثر ضد تشنج دارد و سابقاً برای رفع بیماریهای عصبی و ناراحتی های روده مصرف می گردیده است.
واربته ای از آن به نام *Var. glabrata Benth.* در نواحی شمالی ایران و مناطق مختلف البرز می روید.

گونه های مغید دیگر *Orobanche* که هیچیک از آنها اثر درمانی مهم ندارند به شرح زیر است:

۱- *Orobanche lutea* Baumg. * ، *O. rubens* Wallr. در مزارع و چمنزارها می روید. ساقه ای کرکدار و چسبنک به درازای ۲ تا ۵ سانتیمتر دارد. گل های آن به رنگ قرمز حنائی است و در اردیبهشت تا تیرماه ظاهر می گردد. فلس های روی ساقه گیاه، به استثنای ناحیه قاعده آن، حالت فشرده بر روی یکدیگر دارد.

این گیاه انگل انواع مختلف *Medicago* ، مخصوصاً *M. sativa* (یونجه) است بعلاوه بطور طفیلی از گیاهانی نظیر *Lotus* ها ، *Dorycnium* ها و *Trifolium* ها استفاده می نماید و از آنها مواد لازم را برای زندگی خود اخذ می کند.

خواص درمانی - قاعده ساقه آن سابقاً برای رفع دردهای عصبی و درد روده مورد استفاده قرار می گرفته است.

این گیاه در منطقه وسیعی از اروپا مخصوصاً نواحی شرقی و جنوبی آن، جنوب غربی آسیا و سیبری می روید ولی در ایران دیده نشده است.

۲- *Orobanche Rapum - genistae* Thuill. * ، ساقه ای به ارتفاع ۲۰ تا ۶۰ سانتیمتر با بوی ناپسند دارد. رنگ آن زرد خرمائی یا قرمز روشن و یا گلی مایل به زرد است. بر روی ساقه آن، فلس های درازی به طول ۲ تا ۵ سانتیمتر دیده می شود. گل های آن به رنگ حنائی یا گلی مایل به زرد و مجتمع به صورت سنبله فشرده است.

این گیاه انگل انواعی نظیر *Cytisus scoparius* ، *Sarothamnus purgans* و انواع *Genista* مخصوصاً *G. tinctoria* و *G. radiata* است.

خواص درمانی - کلیه قسمت های گیاه اثر قابض دارد. قدما عقیده داشته اند که سرطان را معالجه می نماید.

این گیاه در ایران نمی روید ولی در شمال آفریقا مانند الجزیره و در اروپا به حد فراوان یافت می گردد.

در ایران *Orobanche* های معدودی در نواحی مختلف وجود دارد که عموماً به نام **گل جالیز** موسوم می باشند. از بعضی گونه های *Orobanche* در تغذیه استفاده بعمل می آید.

گلوبولاریاسه Globulariaceae

تیره کوچکی از گیاهان گلدار پیوسته گلبرگ است که در اروپا، آفریقای شمالی و جنوب آسیا پراکندگی دارند ولی بیشینه انتشار آنها در منطقه مدیترانه می باشد. گیاهانی عموماً علفی و یا دارای اعضای چوبی و برگ های ساده و متناوب اند. گل های نر ماده، نامنظم، شامل قطعات ۵ تایی، مجتمع به صورت کاپیتولهای فشرده، در راس ساقه ها و اغلب به رنگ آبی دارند. مشخصات ساختمانی آنها اغلب شبیه گیاهان تیره گل میمون است. کاسه گل آنها از ۵ لوب مساوی و جام گل آنها از ۲ لب مشخص (گاهی یک لب) تشکیل می یابد. چهار پرچم (گاهی ۲ پرچم) دی دینام و سادگی ۲ برچه ای دارند که مجموعاً تخمدانی فوقانی، یک خانه و محتوی یک تخمک و از گون به وضع آویخته بوجود می آورند. میوه آنها پوشینه، محصور در کاسه گل و محتوی دانه های آلبومین دار است.

در بین گیاهان این تیره، انواع دارویی معدودی با ارزش کم وجود دارد که هیچیک از آنها در ایران یافت نمی گردند.

* *Globularia vulgaris* L.

G. Willkommii Nym. ، *G. Linnaei* Rouy.

فرانسه : Boulette ، Marguerite bleue ، *G. commune* ، *Globulaire vulgaire* ؛
انگلیسی : Globe daisy ، Blue daisy ؛ ایتالیائی : *Globularia* ، *Margherita azzurra* ؛
آلمانی : *Blaua Kugelblume* ، *Gemeine Kugelblume* ؛ عربی : عینون زرقا (Aynūn..)

گیاهی علفی، کوچک، به ارتفاع ۱۰-۱۵ سانتیمتر و دارای پراکندگی نسبتاً وسیع در نواحی جنوبی اروپاست. از مشخصات آن این است که برگ های ساده، بیضوی یا تخم مرغی، منتهی به رأس مدور یا کمی فرو رفته، و واقع در سطح زمین دارد. پهنک برگ های آن بتدریج که به دم برگ نزدیک می شود، باریکتر می گردد. از وسط برگ های آن، ساقه های عاری از انشعاب خارج می شود که کم و بیش پوشیده از برگ های کوچکتر، باریک و دراز و نولک نیز است. هر ساقه آن نیز به کاپیتولی به قطر ۱-۱٫۵ سانتیمتر، مرکب از گل های آبی رنگ ختم می شود. از مشخصات دیگر آنکه، برگ های قاعده ساقه گیاه، به خلاف برگ های واقع در طول آن، غالباً رنگ سبز مایل به قرمز پیدا می کند.

محل رویش این گیاه بیشتر در دشتهای خشک و سواحل خشک دریاهاست.

کلیه قسمت‌های گیاه، مخصوصاً اعضای هوایی آن به‌مصارف درمانی می‌رسد.

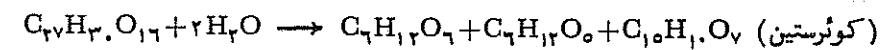
ترکیبات شیمیائی - قسمت‌های هوایی گیاه دارای گلوکزیدی به نام **گلوبولارین** globularine، اسید **گلوبولاریک**، **پیکروگلوبولارین** picroglobularine، **گلوبولاریاسیتترین** globulariacitrine، به‌مقادیر بسیار کم از اسانس، اسید سینامیک، اسید تانیک، مانیت، مواد رزینی و مواد لعابی است^(۱).

گلوبولارین Globularine به فرمول $C_{10}H_{14}O_8$ است و به‌حالت خالص، به‌صورت گرد سفید رنگ و متبلور به‌دست آمده است. در آب و الکل رقیق به‌مقادیر زیاد حل می‌شود ولی در اتر و کلروفرم حل نمی‌گردد^(۲). گلوبولارین بر اثر هیدرولیز، تجزیه می‌شود و گلوکز و ماده‌ای به نام **گوبولارترین** Globulorétine به فرمول $C_7H_{10}O$ از آن نتیجه می‌گردد.

اسید گلوبولاریک، به فرمول $C_{27}H_{32}O_7$ و دارای حالت متبلور به‌صورت بلورهای سوزنی شکل و بیرنگ است. در گرمای 228 درجه ذوب می‌گردد. در اتر استیک، الکل و استن حل می‌شود. درجه انحلال آن در اتر و کلروفرم کم است. در آب نیز حل نمی‌گردد.

پیکروگلوبولارین Picroglobularine به فرمول $C_{14}H_{18}O_5$ ، و به‌صورت گرد زرد رنگ سایل به سفید است. در گرمای 101 درجه ذوب می‌شود. به‌مقادیر بسیار کم در آب و ولی به‌مقدار کم در بنزن محلول است. درجه انحلال آن در الکل، استن، کلروفرم و اتر بسیار زیاد است.

گلوبولاریاسیتترین، Globulariacitrine به فرمول $C_{27}H_{34}O_{14}$ و دارای حالت متبلور به رنگ زرد است. در آب و الکل حل می‌شود ولی در بنزن، کلروفرم و اتر غیر محلول می‌باشد و اگر اسید نیتریک بر روی آن اثر داده شود، رنگ قرمز خونی پیدا می‌کند. سولفات‌س آنرا به رنگ سبز در می‌آورد. بر اثر هیدرولیز نیز به گلوکز، رانوز و کوئرستین تبدیل می‌گردد.



خواص درمانی - دارای اثر مسهلی، مدر، محرک، مقوی، مقوی معده، معرق و بطور ضعیف تب بر است. قسمت‌های هوایی گیاه، اثرات درمانی قاطع در درمان بی‌اختیاری دفع ادرار دارد بطوری که از این نظر باید آنرا دارویی اختصاصی به حساب آورد (L. Reutter). جوشانده‌مقادیر درمانی گیاه، عمل یک مسهل ملایم را انجام می‌دهد بدون آنکه تحریک یا تهوع و یا ناراحتی دیگر پیش آورد در حالی که اگر ماده مسهلی گلوبولارین مصرف گردد، باعث ایجاد دل‌پیچه، گاهی درد و احتقان روده راست می‌شود. مصرف مقدار نسبتاً زیاد گیاه، موجب افزایش دفع ذرات

۱- فرمول و اختصاصات فیزیکی و شیمیائی ترکیبات گیاه از L. Reutter.

۲- گلوبولارین در Planchon - Bretin به فرمول $C_{10}H_{14}O_8$ ذکر شده است.

جامد ادرار می‌گردد که مربوط به عمل گلوبولارترین است. اثرات گلوبولارین، بطوری که توسط عده‌ای از محققین مانند J. Mourson, Ed. Heckel و همچنین J. Schlagedenhauer (در سال ۱۸۸۳ میلادی) و قبل از آنها، در یک گونه درمانی دیگر از گیاه مذکور به نام Globularia Alypum L. بعمل آمد، چنین نتیجه گرفته شد که اثرات فیزیولوژیکی آن در بدن، مشابه کافئین است مانند آنکه مصرف این ماده سبب می‌شود که بطور خفیف درجه گرمای بدن پائین آید و ضربان نبض کند شود. این ماده اگر به‌مقادیر کم مصرف شود، فشار شریانی را بالا می‌برد در حالی که مصرف مقادیر زیاد آن، عکس آن عمل می‌کند. با مصرف گلوبولارین، اشتها زیاد می‌شود و کارهای فکری به‌سہولت انجام می‌پذیرد. با توجه به عمل مسهلی اعضای این گیاه، چنین پیشنهاد شده است که می‌توان آنرا جانشین خوبی برای برگچه سنا دانست.

از اعضای این گیاه جهت درمان یبوست‌های دیرعلاج، زیادی ترشی معده و مخصوصاً درمان رماتیسم حاد مفصلی و یا حالت مزمن آن، نقرس، سیاتیک، سمومیت‌های خود به‌خود در حالات حاد و غیره می‌توان استفاده بعمل آورد.

صور دارویی - دم کرده. ۴ تا ۵ در هزار گیاه به‌مقدار یک فنجان قبل از هر غذا جهت رفع ترشی معده جوشانده ۳ تا ۵ گرم گیاه در نیم لیتر آب به‌عنوان مسهل. جوشانده ۵ گرم گیاه در یک لیتر آب به‌مقدار یک لیوان بزرگ به‌مدت ۶ روز جهت درمان رماتیسم. باید توجه داشت که تهیه جوشانده گیاه بنحوی صورت گیرد که این عمل، به‌مدت ۱ دقیقه انجام شود. از برگ گیاه، نوعی تنطور زرد رنگ تهیه می‌شود. این گیاه در ایران نمی‌روید.

*Globularia Alypum L.

Globularia Turbith Willk. ، G. virgata Salisb.

فرانسه : Herbe terrible ، Turbith blanc ، Alypon ، Globulaire Turbith ؛ انگلیسی : Strauchartige kugelblume ؛ آلمانی : Alypo globe daisy ، Globularia ؛ ایتالیایی : Globularia turbith عربی: غسله (Ghislah)، عینون (Aynûn)، کحلی kahhlâ گیاهی به ارتفاع ۳۰ تا ۶۰ سانتیمتر و دارای ظاهری نسبتاً متفاوت از گونه قبلی است زیرا اولاً برگهای بیضوی و نوک تیز و استیپول‌های باریک و نخ‌مانند در محل اتصال برگ‌ها به‌ساقه دارد ثانیاً در هر دو سطح پهنک برگها، نقاط کوچک و شفاف به‌چشم می‌خورد. ضمناً برگهای آن در تمام زمستان، رنگ سبز خود را بر روی ساقه حفظ می‌کند. گل‌های آن که در بهار، به‌وضع مجتمع به‌صورت کاپیتول، در راس ساقه ظاهر می‌شود، رنگ آبی زیبا دارد و معطر است. پراکنندگی آن بیشتر در منطقه مدیترانه می‌باشد. در ایران نمی‌روید.

ترکیبات شیمیائی - اعضای این گیاه دارای همان ترکیب شیمیائی گونه قبلی است.

خواص درمانی - اثر درمانی آن، شدت بیشتری از گیاه قبلی دارد. با آنکه تاریخ استفاده های درمانی از آن، به دورانهای قدیم نسبت داده نمی شود معیناً در دورانهای نسبتاً قدیم تا آغاز قرن نوزدهم میلادی، استفاده از آن به عنوان یک مسهل قوی بین مردم معمول بوده است. بررسی های آغاز قرن نوزدهم که توسط Merar صورت گرفت محقق داشت که اثر مسهلی آن بطوری که مردم تصور می نمودند زیاد نیست بلکه این عمل بطور ملایم و بدون ایجاد تهوع و ناراحتی یا تحریک ظاهر می شود. جوشانده ۲ تا ۳ گرم گیاه، حالت مسهلی ملایم بدون وقوع ناراحتی در افراد حساس ایجاد می کند و از اینجهت باید گفت که از هر لحاظ بربرگچه سنا مزیت دارد. تأثیر آن در درمان رماتیسم و بیماریهای دیگری که برای گونه قبلی ذکر شد قابل توجه تر می باشد. ساده ای به نام **پرازوئید** prasoide که توسط M. E. Nilot از گلو کزیده های گیاه تهیه گردید، اثر درمانی واضح تر در رفع رماتیسم مفصلی، قفس و معالجه مسمومیت های خودبده خود (Auto - intoxication) نشان می دهد. یکی از پزشکان به نام Dr. Baleste، با بکار بردن پرازوئید، موفق به درمان ۱۶ مورد قفس مزمن در بیماران گردیده است. بررسی های پزشک دیگری به نام Dr. Poncel نشان داد که داروی مذکور، بطور وضوح در درمان رماتیسم های حاد و مزمن مفصلی، اثرات مفید ظاهری نماید بطوری که باعث سی گردد که درد مفاصل بسرعت از بین برود و ماهیچه ها، مجدداً انرژی خود را کسب نمایند علاوه مفاصل، همان نرمش اولیه را حاصل کنند. چون با مصرف پرازوئید، حالت مسهلی آن نیز در بیمار اثر می گذارد از اینجهت در طی دوران بیماری، باید مصرف آن چند روز متوقف گردد و سپس مجدداً آغاز شود. مصرف گیاه تازه می تواند بر ماده مذکور مزیت داشته باشد.

صورت داروئی - مقدار مصرفی اعضای گیاه برای سوار درمانی مختلف، عیناً شبیه گیاه قبلی است با این تفاوت که به علت شدت تأثیر، مقدار آن باید به ۱/۳ تقلیل یابد. برای درمان بیماری ها، از دم کرده ۳ تا ۴ در هزار و یا جوشانده ۲ تا ۳ در هزار (مدت جوشاندن ۱۰ دقیقه)، با توجه به جزئیاتی که ذکر شد باید استفاده بعمل آید.

این گیاه در ایران نمی روید.

در ایران نوعی از آن به نام *Globuloria trichosantha* F. M. وجود دارد که در نواحی شمال غربی ایران، آذربایجان: دیلمان، ارومیه و اطراف خوی در ارتفاعات ۳۰۰۰ متری می روید و هنوز بررسی های علمی بر روی آن بعمل نیامده است.

تیره شاه پسند Verbenaceae

تیره شاه پسند مرکب از گیاهانی به صورت مختلف علفی یا دارای ساقه های چوبی قائم و گاهی بالارونده ولی فاقد پیچک می باشد. گیاهان آن به استثناء معدودی از آنها، عموماً در نواحی گرم کره زمین پراکنده دارند. بعضی از آنها نیز پرورش می یابند.

از اختصاصات ساقه انواع علفی آنها این است که معمولاً چهار گوش است. برگهای آنها بدون استیپول، کامل یا لوب دار و یا دارای بریدگیهای عمیق و واقع بوضع متقابل یا فراهم بر روی ساقه است. گلهائی نر - ماده، نامنظم، منفرد یا مجتمع به صورت گرز یا خوشه و مرکب از قطعات ۴ یا ۵ تائی (بندرت ۶ یا ۸ تائی) دارند. پرچمهای آنها معمولاً چهار تائی (۲ بزرگ و ۲ کوچک) یا دوتائی و بندرت ممکن است ۵ تائی باشد. مادگی آنها از ۲ برچه (بندرت ۴ یا ۵) و گاهی به علت از بین رفتن یکی از آنها، از یک برچه تشکیل می یابد ولی در هر حال از مجموع آنها، تخمدانی فوقانی و یک یا چند خانه بوجود می آید.

سیوه آنها به صورت مختلف شفت یا خشک و ناشکوف و در برخی موارد مرکب از فندقه هائی به تعداد خانه های تخمدان و محتوی دانه های فاقد آلبومین است.

از نظر تشریحی، برگ غالب آنها پوشیده از تارهای غیر تشریحی یا تارهای تشریح کننده اسانس و مواد معطر است.

بعضی از این گیاهان چوب بسیار سخت و سورد استفاده در صنعت دارند. در بین آنها انواع زینتی نیز یافت می شود.

نمونه های داروئی معدودی از این گیاهان، در نواحی مختلف ایران پراکنده دارند که آنها هم با بررسی هائی که بعمل آمده غالباً به علت عدم آشنائی، سورد توجه مردم از نظر درمان بیماری ها قرار نمی گیرند.

تعداد کلی انواع آن متجاوز از ۲۷۰۰ است که تقریباً در ۱۰۰ جنس جای داده شده اند. از جنس های مهم این تیره، *Verbena* (دارای ۱۰۰ گونه)، *Lippia* (۱۰۰ گونه)، *Lantana* (۵۰ گونه)، *Vitex* (۱۰۰ گونه) و *Clerodendron* (۱۰۰ گونه) را نام می بریم که غالب آنها در نواحی گرم کره زمین پراکنده دارند.

انواع داروئی این گیاهان به شرح زیر است:

Verbena officinalis L.*V. macrostachya* F. Muell. ، *V. mentaefolia* Benth.

فرانسه : Herbe sacrée ، Herbe de sang ، V. sauvage ، Verveine officinale ؛
 انگلیسی : Simpler's - joy ، Holy - herb ، Pigeon's grass ، Common Vervain ؛
 آلمانی : Eisenhart ، Heiligkraut ، Gemeines Eisenkraut ، Eisenkraut ؛
 ایتالیائی : Erba erocina ، Erba sacra ، V. officinale ، Verbena ، Berbena ؛
 فارسی : شاه پسنند وحشی^(۱)، عربی: رعی الحمام (Ri'ī. el hhamām)، رجل الحمام

گیاهی است علنی، پایا و دارای ساقه چهارگوش و زاویه دار، به ارتفاع ۳۰ تا ۸۰ سانتیمتر که به حالت خودرو در کنار جاده‌ها، دشتها و مزارع نواحی مرکزی و جنوبی اروپا، آفریقا و آسیا می‌روید. برگهائی متقابل، بیضوی دراز با دندانهای عمیق (گاهی لوب‌دار) و گل‌هائی به رنگ سفیدگلی یا سوسنی دارد. کاسه گل آن منتهی به ۵ دندانه کوچک و نامساوی است. جام گل آن نیز ظاهر قیفی شکل دارد و در داخل آن ۴ پرچم در حول مادگی دیده می‌شود. میوه‌اش تا رسیدن کامل، در داخل کاسه گل باقی می‌ماند و بعداً به ۴ قسمت تبدیل شده از یکدیگر جدا می‌گردد. در بین پایه‌های مختلف این گیاه، نمونه‌هائی پیدا می‌شود که در آنها بتفاوت ۲ یا ۳ گل، به یکدیگر پیوستگی دارند. زنبور عسل بسمت گل‌های آن جلب می‌گردد و از آنها نوش مرغوب به دست می‌آورد.

قسمت مورد استفاده این گیاه، برگ و یا کلیه اندامهای آن است. طعم آن گس، تلخ و بوی آن در صورت مالش دادن، معطر و کاملاً محسوس است.

قرکبیات شیمیائی - در اعضای این گیاه موادی نظیر تانن، موسیلاژ، ساپونین‌ها (Kroeber)، یک ماده تلخ، انورتین، اسولسین و یک گلوکزید غیر سمی به نام وربنالین Verbénaline یا وربنالوزید Verbénalosite یافت می‌شود.

وربنالین Verbénaline (Verbenalin) ، وربنالوزید Verbénalosite ، کورنین (Cornin) هتروزیدی به فرمول $C_{17}H_{24}O_4$ و به وزن ملکولی ۳۸۸٫۳۶ است و از گیاهان زیر استخراج شده است^(۲) :

۱- نام شاه‌پسنند وحشی، ترجمه نام خارجی این گیاه است که بهمان نحو در کتب فارسی وارد گردیده است.

2 - Refs : Bourdier, J. Pharm. Chim. (6) 27, 49, 101 (1908); Miller, J. Am. Pharm. Assoc. 17, 744. (1928).



ش ۱۸۰- *Verbena officinalis* : ۱- دو قسمت از یک گیاه کامل (طبیعی) ۲ و ۳- گل و برش طولی آن (زیر ذره بین) ۴- دیاگرام

Verbenaceae	از تیره	Verbena officinalis L.	-۱
Gornaceae	—	Cornus florida L.	-۲

تعیین مشابهت وربنالین با کورنن توسط Reichert^(۱) و فرمول نسبت آن توسط Manning, Büchi^(۲) انجام گرفته است.

وربنالین به صورت بلورهای سوزنی شکل متبلور می شود. طعم تلخ دارد. در گرمای ۱۸۲-۱۸۳ درجه ذوب می گردد. به مقدار زیاد در آب ولی به مقدار کم در الکل، استات اتیل و استن محلول است. عملاً در کلروفرم و اتر حل نمی گردد. وربنالین، لوژی است و تفاوت آن با غالب هتروزهای هیدرولیز شونده با اسولسین، در آنست که قدرت احیاء کنندگی قوی دارد.

د - وربنون d - Verbenone ، به فرمول $C_{11}H_{14}O$ و به وزن ملکولی ۱۵۰.۲۱ است. این ماده یکی از ترکیبات اسانس شاه پسته اسپانیا (Spanish Verbena oil) است که از نوعی از آن به نام Verbena triphylla L. به دست می آید. این ماده را می توان از آلفا - پینن α - Pinene تهیه کرد^(۳). تعیین فرمول گسترده آن توسط Zeitschel و Blumann انجام گرفته است^(۴).

ساقه منشعب گیاه، علاوه بر هتروزید سد کور دارای قند و فرمان های هیدرولیز کننده مانند انورتین و اسولسین است.

J. Cheymol ، از هیدرولیز آن تحت اثر فرمان ، موفق به بدست آوردن یک ماده غیر گلوئیدی (aglycone phénolique) قابل تبلور به نام وربنالول Verbénalol به فرمول $C_{11}H_{14}O_2$ گردید که در گرمای ۱۳۳ درجه ذوب می شود.

اعضای زیرزمینی گیاه دارای وربنالین (وربنالوزید) ، ساکارز و استاکیوز Stachyose است.

تاریخچه درمانی - با بررسی هائی که بعمل آمد محقق گردید که هیچگونه مشابهت بین گیاهی که تحت نام Verbenaca در قدیم الایام مورد استفاده قرار داشته با گیاه فعلی یعنی V. officinalis که امروزه به مصارف درمانی می رسد وجود ندارد. از این انواع اینگونه گیاهان،

1 - Reichert, Arch. Pharm. 273, 357 (1935).

2 - Büchi, Manning, Tetrahedron Letters, 1960 (26), 5 (1960).

3 - Bain, Gray, U. S. Pat. 2, 911, 442 (1959 to Glidden) .

4 - Blumann, Zeitschel, Ber. 46, 1178 (1913).

peristeron دیوسکورید را ذکر می نمایم که آنهم گیاهی آیزی، دارای گلهای ارغوانی و برگهایی به رنگ مایل به آبی بوده است یعنی صفاتی داشته که با گیاه فعلی بی شباهت بوده است. نوع مورد استفاده زمان پلین نیز گیاهی آیزی بوده و گلهایی به رنگ مایل به آبی (کبود) داشته است. باید گفت که اصولاً گیاه مورد نظر در آن زمان، بیشتر جنبه های تشریفاتی داشته و به مصارفی مانند تطهیر و تمیز کردن سحراب ژوپتر Jupiter و یا تهیه نوعی تاج می رسیده است مانند آنکه ماسورین عالی رتبه که جنگ یا صلح را به مردم اعلام میداشته اند، تاجی از این گیاه بر سر می نهادند. جادوگران برای آن اختصاصات فراوان منجمله در مان زخم شمشیر قائل بودند. تصویری رود که شاه پسته داروئی، مقامی ارزنده در اسور جادوگری بعضی ملل (ژرمن ها...) داشته است ولی در هر حال، ذکر نام واقعی گیاه مورد نظر مردم قدیم، از این که همان نوع فعلی یعنی Verbena officinalis و یا گیاه دیگری بنام Agrimonia Eupatorium بوده مشکل بنظر می رسد زیرا گیاه اخیر نیز گاهی بهمان نام ها خوانده می شده است. در هر حال این گیاهان به مصارف درمانی متعدد می رسیده و از آنها برای رفع سردرد، زردی، درد گلو، درمان اولسر (St. Hildegard) ، بیماری های کلیه و مثانه، طحال و رفع تب، زایمان های سخت، رفع ریزش آب از چشم و درد دندان استفاده بعمل می آمده است.

شاه پسته وحشی، به صورت یک گیاه داروئی در منازل نیز پرورش می یافته و شهرت درمانی به عنوان تب بر، رفع دردهای عصبی تا قرن ۱۸ میلادی (تورنفورت، Boerhaave، لینه، Hallier) و بین مردم بعضی نواحی تا زمان حال نیز داشته است. بعضی اطباء مانند Dr. Ricci ، برای آن اثری ممتازتر از کینین قائل بوده اند.

خواص درمانی - اعضای مختلف این گیاه، به علت دارا بودن تانن، اثر قابض دارد و چون بطور خفیف مقوی، ضد تشنج و تب بر است از این جهت سابقاً از آن در درمان بیماریهای مختلف استفاده بعمل می آمده است.

بررسی های محققین روسی که در سال ۱۹۷۱ صورت گرفت، وجود یک هتروزید جدید با اثر مقوی قلب را در این گیاه محقق داشته است^(۱).

Dr. H. Leclerc ، از عصاره آبی این گیاه، اثرات مفیدی در معالجه برخی اشکال خفیف دردهای عصبی، مربوط به عصب تری ژوسو به دست آورد. دارای اثر رفع ناراحتی های هضمی است.

1 - Lievre H., Rêvue du jeune Medecin, No. 100, 25 Oct. (1982).

در استعمال خارج، سابقاً جوشانده آن به صورت غرغره برای رفع درد گلو و ورم مخاط دهان به کار می‌رفت و یا آنکه به صورت کمپرس بر روی اولسرها، ضرب‌خوردگی‌ها، بریدگی‌ها و نظایر آنها اثر داده می‌شد. در برخی نواحی، برگهای آنرا در سرکه جوشانده سپس بر روی محل دردناک در ذات‌الجنب قرار می‌داده‌اند.

صورت‌اروئی - دم کرده ۳ تا ۴ گرم گیاه بر حسب هرفرنجان و ۳ سرتبه در روز - جوشانده ۴ تا ۵ گرم گیاه در یک لیتر آب یا شیر (در استعمال خارج).

حمام برگ شاه‌پسند وحشی

مقدار . . . ۲ گرم برگ گیاه را باید در ۲ لیتر آب سرد وارد کرده، تحت اثر گرم‌قرار دهند و توجه داشته باشند که به مجرد آغاز جوش آمدن، آنرا بلافاصله از گرما دور کرده به مدت ۱۰ دقیقه به حال خود بگذارند تا به خوبی دم کند سپس محلول سرد شده را از یک پارچه نازک نایلونی بگذرانند و صاف شده را به آب گرم وان که در آن استحمام می‌کنند وارد سازند. با این روش، آب گرم وان که در آن استحمام بعمل می‌آید، اگر مورد استفاده قرار گیرد، نخستگی جسمانی و کشش عضلانی را از بین می‌برد و مخصوصاً ناحیه گردن و شانه‌ها را آرامش می‌بخشد. برای استحمام، پس از وارد شدن در وان، باید حوله‌ای چندلا کرده زیر سر و در لبه وان قرار داد بطوریکه بتوان بدون احساس ناراحتی در ناحیه زیر سر، تمام بدن را در آب غوطه‌ور ساخت.

سرشاخه گلدار و برگدار شاه‌پسند وحشی را می‌توان به صورت چای نیز مصرف کرد زیرا این گیاه در ردیف بهترین چای طبی قرار دارد و در غالب کشورها بهمان روش چای معمولی، چای شاه‌پسند وحشی تهیه نموده به مشتریان ارائه می‌دهند. معمولاً ۵ گرم آنرا در یک لیتر آب جوش وارد کرده و دم کرده حاصل را شب در موقع خوابیدن به مقدار که بخواهند برای تأمین آرامش و خواب راحت مصرف می‌نمایند.

جوشانده جهت درمان اختلالات هضمی

شاه‌پسند وحشی	۱۰ گرم
ریشه ختمی	۳۰ »
گل Verbascum Thapsus	۱۰ »

مخلوط اعضای گیاهان فوق را باید در یک لیتر به مدت ۱۰ دقیقه بجوشانند و مقداری از آنرا به حالت نیم‌گرم در روز مصرف نمایند. این جوشانده به حالت تازه باید بکار رود و قابل نگهداری نیست.

بهداشت پوست

مقدار یک مشت (۴ گرم)، ساقه برگدار و گلدار شاه‌پسند وحشی را باید در نیم لیتر آب وارد کرده، ظرف محتوی مایع را به مدت ۲ دقیقه به حال خود بگذارند تا بخوبی دم کند. سپس آنرا صاف نموده، محلول حاصل را به پوست سر بمالند و به سلایمت ماساژ دهند. با این عمل، سوی سر بطور محسوس تقویت می‌شود و رشد پیدا می‌کند. اگر دم کرده مذکور را به سوی سر بمالند بطوریکه تمام سو به آن آغشته شود، باعث شفافیت و جلای سوی سر می‌گردد.

محل رویش - این گیاه در منطقه وسیعی از نواحی شمالی مخصوصاً در اسکان مرطوب سواحل دریای خزر و حاشیه جنگل‌ها، می‌روید. در نواحی مختلف البرز، اطراف تهران، کرج، قزوین، گیلان، بین رشت و چالوس، در حاشیه جاده یا حاشیه مزارع، آستارا، لاهیجان، گرگان، بندرگز، نواحی جنوبی ایران، فارس: شیراز، پرسپولیس، کرمان: شهداد، جیرفت، خراسان: بین شیروان و بجنورد، بین مشهد و سلطان آباد نزدیک سبزوار، کاشان: قمصر، آذربایجان: ارومیه، کردستان: شمال سنندج در ارتفاعات ۲۰۰۰ متری، همدان، اراک: بین گردو و نهاوند، ایستگاه ازنا، بختیاری، لرستان: شهبازان: بیشه، خاورون در ۵۰۰-۱۸۰۰ متری و درود پراکنده است.

Verbena hastata L. در امریکای شمالی می‌روید و به شاه‌پسند آبی رنگ مشهور است. از ساقه گلدار این گیاه در نواحی محل رویش به عنوان خلط‌آور و معرق استفاده درمانی بعمل می‌آید.

Lippia citriodora H. B. & K.

Verbena triphylla L' Hér. , *Aloysia citriodora* Orteg.

فرانسه : Citronelle , V. des Indes , Verveine du Pérou , Verveine odorante
انگلیسی : Lemonekraut , Citronenkraut ; Herb Louisa , Lemon verbena
ایتالیایی : Cedronella , Erba limoncina , Erba cedrata , Getrina , Cedrina
فارسی : به لیمو - عربی : لویزه (Lûwayzah)

درختچه‌ای است به ارتفاع ۵ تا ۲ متر و دارای ساقه دراز، زاویه‌دار و منشعب که بومی امریکای جنوبی، نواحی شیلی، پرو و آرژانتین است ولی امروزه به علت زیبایی و عطر دلپذیری که دارد در غالب نواحی پرورش می‌یابد. از مشخصات آن این است که برگهای ساده، خشن، کامل، فراهم، مجتمع به تعداد ۳ یا ۴ تائی و به رنگ سبز روشن دارد و اگر دست‌بر روی آن کشیده شود، عطر مطبوعی متصاعد می‌سازد. گل‌های آن کوچک و دارای جاسی است که از